



## آلترناتیو سرمایه داران و آلترناتیو کارگران و زحمتکشان

### جرقه ای که زده شد



جمهوری اسلامی از همه سوتحت منگنه و فشار اعتراض ناراضایتی و مبارزه طبقات ائتشار و گروههای اجتماعی مختلف مردم قرار گرفته است اشکال علنی و آشکار مبارزه توده ای روز بروز گسترش مییابد و میرود که در آینده ای نه چندان دور به شکل عمده مبارزه مردم تبدیل شود ضربات پی در پی جنبش توده ای طی چند سال اخیر بیش از پیش رژیم را تضعیف و در تنگنا قرار داده و حلقه محاصره را تنگ تر کرده است همین واقعیت است که چشم انداز اعتلاء گسترده تر جنبش را برای یورش نهانی به جبهه ارتجاع گشوده است ، آخرین بقایای روحیه رخوت و ترس را درهم میشکنند و نیروهای وسیع تر و تازه نفس تری را به جبهه نبرد در روبرو اعزام میکند در فاصله کوتاهی پس از قیام مردم قزوین تظاهرات مردم تبریز و اعتراض در ساری شاهدیگر شده رویدادهای مبارزاتی دیگر بوده ایم که هر یک سهم خود در پهنه

اند که رژیم رفتنی است . این حقیقت اکنون دیگر آنچنان عیان و آشکار شده که حتی بزدل ترین جناحهای بورژوازی اپوزیسیون نیمه قانونی که معمولا وقتی از سوراخهای خود بیرون میخیزند و زبان با اعتراض می کشیند که بوی سقوط حکومت به مشام آنها میخورد بخود جرات داده و علنا از سران حکومت میخواهند که پیش از آنکه اوضاع بمرحله ای غیر قابل کنترل برسد کناریکشند و جای خود را به

جمهوری اسلامی ورشکستگی و ناتوانی خود را در تمام عرصه های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی آشکارا بنمایش گذاشته است . درهم ریختگی اوضاع اقتصادی ، فلاکت اجتماعی ، بن بست سیاسی رژیم ، رشد ناراضایتی عمومی در نتیجه وخامت بیش از حد وضعیت مادی و معیشتی توده ها و ایضا محرومیت مردم از حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و سرانجام اعتلاء روز افزون جنبش توده ای و وقوع متناوب تیمهای توده ای همگی انعکاس این واقعیت

### زنده باد اکتبر ! زنده باد انقلاب سوسیالیستی !



۱۶ ←

۲ ←

### اطلاعیه های مشترک

۱۰ ← .....

#### زنی که

به یک گرم هروئین فروخته شد

۱۲ ← .....

#### نابسامانیهای فزآینده آموزشی

و

#### حکومت اسلامی

۵ ← .....

#### و آن او که بیدریغ وفادار زندگی است،

#### مرگش تولدی است !

کرارشی از برگزاری مراسم یادبود شهدای  
قتل عام سال ۶۷ در اروپا

۱۶ ←

### اوضاع اقتصادی

#### وخیم تر میشود

نابسامانی و وخامت اوضاع اقتصادی به درجه ای غیر قابل کنترل رسیده است تولید با رکود روبروست توزیع و بازرگانی در حالت هرج و مرج بسر میبرند . وضعیت مالی خراب و خزانه تهی است قروض داخلی دولت سرچینند صد میلیارد و قروض خارجی آن از سی میلیارد دلار هم تجاوز کرده است نوسانات شدید بازار ارز و سقوط پی در پی ارزش ریال شاخص دیگری بر این وخامت اوضاع اقتصادی است افزایش جهش وار و لجام کسیخته قیمتها هم جلوه دیگری از این ازم

۱۱ ←

### ایمنی و بهداشت محیط کار

#### یک نیاز مبرم

مصائبی که طبقه کارگر ایران تحت حاکمیت سرمایه داران با آن روبروست ، یکی دوتا نیست . بیکارسازی بخش وسیعی از کارگران بدون اینکه هیچ منبع درآمدی برای گذران زندگی خود داشته باشند ، یک جنبه از این مصائب است . شکاف غیر قابل تصور میان دستمزد واقعی و هزینه های یک زندگی اولیه جنبه دیگر آن است و عدم وجود حداقل استانداردهای ایمنی و بهداشت محیط کار وجه ناجمه بار دیگری از این مصائب است .

۱۴ ←

« انترناسیونال » ! « انترناسیونال » لیبرال !



۷ ←

## جرقه ای که زده شد

مبارزه گسترده علیه رژیم حائز اهمیت اند، مهمترین این رویدادها در این فاصله اولاً رشد و گسترش اعتراض و مبارزه دانشجویان بود که تقریباً اغلب دانشگاه‌های تهران فراگرفت و تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان با شعار اتحاد - مبارزه - پیروزی دست به تظاهرات زدند. ثانیاً - رویدادی که به لحاظ ارزیابی حوادث سیاسی ایران دارای اهمیت ویژه است، نامه سرگشاده ۱۳۴ تن از نویسندگان ایران در اعتراض به اختناق و سانسور و دفاع از آزادی اندیشه و بیان و نشر بود در این بیانیه که در اوائل آبانماه منتشر گردیده است که "حق طبیعی و اجتماعی ماست که نوشته مان اعم از شعر یا داستان نمایشنامه یا فیلمنامه تحقیق یا نقد و ترجمه آثار دیگر نویسندگان جهان آزادانه بپی هیچ مانعی بدست مخاطبان برسد ایجاد مانع در راه نشر این آثار به هر بهانه ای در صلاحیت هیچ کس یا هیچ نهادی نیست." امضاءکنندگان این بیانیه موجودیت تشکل صنفی نویسندگان را اعلام نگفته اند که "برای تحقق آزادی اندیشه و بیان و نشر و مبارزه با سانسور به شکل جمعی تلاش خواهند کرد."

این رویداد صرفاً از این زاویه حائز اهمیت نیست که گروهی از نویسندگان ایران در جمهوری اسلامی که هرگونه اعتراض و دفاع از آزادی را سرکوب میکند بپاخاسته از آزادی بیان و اندیشه و نشر دفاع نموده و زبان به اعتراض جمعی علیه سانسور گشوده ندمسئله مهم اینجاست که اکنون جنبش به آن مرحله از رشد و تکامل خود رسیده که نویسندگان ایران کاری میکنند و حرفی رامینزند که بشارت دهنده مرحله خاصی از مبارزه و ابتکار عمل توده است آزادی سیاسی را کسی به مردم نخواهد داد این خود مردم اند که باید آزادی را بچنگ آورند. آزادی حق مردم است و هیچ ارکان و نهاد و مقامی مطلقاً مجاز نیست که این آزادی را از مردم سلب کند و استفاده از این آزادی نیازی به اجازه از هیچکس ندارد.

خواه آزادی اندیشه و بیان و نشر باشد یا آزادی اجتماع میتینگ تظاهرات و اعتصاب یا آزادی تشکیل سازمانهای صنفی و سیاسی لذا تشکیل شکل صنفی نویسندگان، حق نویسندگان است برای استفاده از این حق نیازی به هیچ قانونی اجازه هیچ مقامی نیست نویسندگان کاردرستی کرده اند که با ابتکار عمل خود موجودیت تشکل صنفی و دمکراتیک خود را اعلام کرده اند.

این خود نشان میدهد که دوران مبارزه "قانونی" در حال سپری شدن است و دورانی در حال نرارسیدن است که برای چارچوب نظم قانونی موجود است و این نتیجه تحول قانونمند جنبش اعتراضی توده میباشد نظری به سیر مبارزات مردم ایران در دوران رژیم شاه این حقیقت

را آشکار میسازد که پس از سالها اختناق و سرکوب و بیحقوقی و رشد آرام و تدریجی مبارزه، هنگامیکه در اواسط دهه پنجاه جنبش علنی و آشکار توده ای شکل میگردد طی مدتی کوتاه این جنبش بمرحله ای میرسد که محدوده های قانون اختناق و نظم موجود را درهم میشکند و با ابتکار عمل انقلابی خود تدریجاً وسیع ترین آزادی را کسب میکند با قدرت رسیدن جمهوری اسلامی ابتدا قدم بقدم سرکوب و محدود کردن این آزادیها آغاز شد و در طی یورش گسترده ارتجاع در سالهای دهه ۶۰ بکلی برچیده شدند هنگامیکه رژیم سرکوب و یورش گسترده خود را آغاز نمود در نتیجه مجموعه ای از عوامل اجتماعی و سیاسی بویژه ضعف تشکل و آگاهی توده زحمتکش بیک مقاومت توده ای سراسری نتوانست شکل بگیرد و در برابر این تعرض ایستادگی کند و رژیم را بقب نشینی و ادارد لمداجنبش توده ای آرام آرام عقب نشست و رژیم طی چندسال نتوانست با سرکوب و اختناق بحاکمیت خود ادامه دهد از اواخر دهه ۶۰ در نتیجه وخامت بیش از حد شرایط مادی توده زحمتکش و بیحقوقی عموم مردم و تشدید تضادها جنبش توده ای اعتراضی در اشکال کارگری اعتصابات پیاپی در کارخانجات و رشد جنبش اعتراضی علنی تهیدستان حاشیه شهرها و اعتراضات و تظاهرات و قیامهای محلی در تعدادی از شهرهای ایران که آخرین آنها در قزوین و تبریز بود فرار رسیدن این مرحله نوین و سیر تحول آنرا اعلام نمود برغم سرکوبهای رژیم این جنبش طی سه چهار سال اخیر پیوسته گسترش و اعتلاء یافته و رژیم قادر به کنترل و مهار آن نبوده است علت مسئله هم اینست که نه این جنبش در وضعیت سالهای اوائل دهه ۶۰ است و نه رژیم در موقعیت اقتصادی و سیاسی آن سالها لمدانه مردم و جنبش آنها آرام میگردد و نه رژیم دیگر میتواند آنرا با سرکوب مهار کند مبارزات و اعتراضات علنی توده ای چندسال اخیر زمین ناهموار مبارزه علیه رژیم اختناق و سرکوب را اکنون تابدان مرحله کوبیده و هموار کرده است که همه زمینه هابرای گذار به مرحله ای

کیفعا لیترا فراهم شده است یعنی مرحله اشکال عالیتر جنبش و بدست گرفتن ابتکار عمل توسط توده های مردم اقدام نویسندگان ایران در زمره اولین جرقه هائی است که بشارت فرارسیدن این مرحله را میدهد اهمیت سیاسی بیانیه نویسندگان ایران دقیقاً در همین است مهم نیست که رژیم چه واکنشی در قبال این مسئله از خود نشان میدهد مازم اکنون روشن است که رژیم با حربه سرکوب بمقابله برخواهد ساخت و احیاناً حتی برخی از امضاءکنندگان این بیانیه را در معرض فشار تهدید و زندان قرار دهد اما رژیم هرچه که بخواهد بکند تیری که در کمان قرار گرفته بود رها شده است سرکوب دیگر کار ساز نیست رژیم نمیتواند همه این نویسندگان را دستگیر و زندانی کند خود این امر در شرایط کنونی بر سرعت و اعتلاء جنبش توده ای خواهد افزود. مگر رژیم قیام مردم قزوین را سرکوب نکرد مگر برای ایجاد رعب و هراس متجاوزان ۱۸ تن را بوجوه اعدام نسپرد و مگر علاوه بر این اقدام تنگین و سرکوبگرانه برای تحت فشار قرار دادن مردم و بستگان آنها برای تحویل اجساد رقیمی تا حدود ۸۰۰ هزار تومان مطالبه نکرد اما مگر نتوانست مردم را آرام کند مگر رژیم با اتخاذ تاکتیک ترور مخالفین توسط باند های وابسته به وزارت اطلاعات و سپاه طی چندماه گذشته چندتن از زهبران اقلیتهای مذهبی را بقتل رسانده است مگر برای ایجاد رعب و وحشت در دانشگاه ها دانشجویان مبارز و سه تن از استادان مخالف را ترور نکرد که آخرین آن استاد دانشگاه شیراز بود اما نه تنها نتوانست اعتراض و مبارزه را کنترل کند بلکه اعتراض جمعی گروهی از استادان دانشگاه را برانگیخت که رسماً طی اطلاعیه ای خواستار پیگیری مسئله شدند و دانشجویان نیز در سطحی گسترده برای تحقق مطالبات خود دست بمبارزه و اعتراض زدند همین واقعات حاکی از آن است که تاکتیک ترور و سرکوب و اختناق رژیم کارآئی خود را در برابر رشد و اعتلاء جنبش و ناراضی فزاینده مردم از دست میدهد و جنبش آرام به مرحله ای گام میگذارد که طومار تنگین آنرا درهم پیچد.

## اعضا، فعالین و هواداران سازمان!

برنامه سازمان را در میان توده های مردم  
تبلیغ و ترویج کنید و در توزیع هرچه  
گسترده تر آن بکوشید.



## آلترناتیو سرمایه داران و آلترناتیو کارگران وزحمتکشان

جناحی دیگر بسپارند. اما واقعیت وجودی جمهوری اسلامی به گونه ایست که نه میتواند به نصایحی از این دست عمل کند و نه به خواستها و تمایلات این جناح از بورژوازی تن دهد. جمهوری اسلامی نه حاضراست و نه میتواند صاف و ساده جای خود را به جناحی دیگر از میان بورژوازی اپوزیسیون بدهد و نه آنگونه که برخی ها آرزو میکنند میتواند یک استحاله " لیبرالی " را طی کند این رژیم با چنگ و دندان از موجودیت خود دفاع میکند و از اینرو تنها دریک نبرد قهرآمیز توده ای میتواند از پای درآید. همین واقعیتهاست که حتی بخشی از بورژوازی اپوزیسیون را واداشته که برای بدست گرفتن ابتکار عمل و مهار جنبش توده ای در شرایط یک اعتلاء گسترده ، شمارسرنگونی رژیم را با وعده تشکیل مجلس موسسان و حکومت پارلمانی سردهد. اینکه بورژوازی ایران درکلیت خود نه میخواهد و نه میتواند مطالبات دمکراتیک ، آزادیخواهانه و رفاهی مردم را متحقق سازد حقیقتی است که تجربه حاکمیت جناحهای مختلف بورژوازی طی حدود یک قرن بوضوح آنرا نشان داده است . اما این حقیقت نافی این امر نیست که بورژوازی میتواند بسی شعارها بدهد و ادعاهای عریض و طویل داشته باشد.

چنانچه هم اکنون بخشی از بورژوازی اپوزیسیون وعده دمکراسی و آزادی ب مردم میدهد و از تشکیل مجلس موسسان و " انتخابات آزادانه " مردم در شکل حکومتی آینده سخن میگوید. البته کسی نمیتواند انکار کند که بورژوازی تحت شرایط معینی و دقیقاً بخاطر پیشبرد سیاست خود حتی میتواند چنین مجلسی را فراخواند، مهذا تردیدی نیست که از این مجلس موسسان هم چیزی جز تثبیت حاکمیت بورژوازی و پایمال شدن حقوق و مطالبات توده زحمتکش، عاید نخواهد شد. بویژه اگر امثال شورای ملی مقاومت مجاهد سردمدار تشکیل چنین مجلسی باشند چیزی نظیر مجلس خبرگان خواهد بود که لااقل ۹۰ درصد کرسیهای آن هم سهم " امت " مجاهد خواهد بود.

بهررو با بحرانی تر شدن اوضاع رژیم و اعتلاء جنبش، بورژوازی اپوزیسیون بیش از پیش با شمار مجلس موسسان و حکومت پارلمانی بیدان خواهد آمد و تمام جریاناتی را که بنحوی از انحاء در طرح این شعار سهیم اند تحت هژمونی خود در خواهد آورد. این روند بناگزی قطب بندی میان طرفداران مجلس موسسان و پارلمانتاریسم را بعنوان آلترناتیو بورژوازی و طرفداران حکومت شورانی بعنوان آلترناتیو کارگران وزحمتکشان را تشدید خواهد کرد و نیروهای بینابینی را ناگزیر خواهد ساخت که

جایگاه خود را بطور مشخص دریکی از این دو قطب بندی تعیین نمایند . لذا وظیفه هر نیروی انقلابی و حقیقتاً دمکرات است که از هم اکنون با طرح پیگیرانه حکومت شورانی از آلترناتیو کارگران وزحمتکشان دفاع کند. تنها این حکومت است که میتواند به قطعی ترین و رادیکال ترین شکل ممکن خواستهای عموم توده های مردم ایران را متحقق سازد، چرا که در اینجا توده مردم ، توده بلااراده ای نیستند که دیگران اراده خود را بر آنها تحمیل کنند و تصمیم بگیرند که چه چیزی ب مردم بدهند یا ندهند، فلان مطالبه مردم را عملی کنند یا نکنند، بلکه ابتکار عمل را خود بدست دارند، اعمال اراده و حاکمیت میکنند و مطالبات و اهداف خویش را عملی میسازند. این عالی ترین شکل دمکراسی است که دریک کشور میتواند وجود داشته باشد. در اینجا بحث صرفاً این نیست که بورژوازی ایران بنا به خصلت فوق ارتجاعی اش حتی نمیتواند پارلمانتاریسم و تحقق سرودم بریده برخی مطالبات مردم را در این چارچوب تحمل کند، بلکه در قیاس با دمکراتیک ترین جمهوری پارلمانی، حکومت شورانی در سطح کیفی عالی تر و پیشرفته تر است . در جمهوری پارلمانی ساخت و بافت دولت بگونه ایست که مردم نمیتوانند اراده خود را اعمال کنند و در اداره امور کشور نقشی جدی داشته باشند. در نهایت نقش و وظیفه مردم در این جمهوری باین محدود میگردد که هر چند سال یکبار بیای صندوق رای بروند و از میان کاندیداهانی که اغلب از سوی احزاب وابسته به طبقات حاکمه معرفی شده اند، افرادی را بعنوان نماینده به پارلمان بفرستند و یا بعنوان رئیس جمهوری انتخاب کنند. اینان نیز که یکی از شکردهایشان وعده و وعید های قبل از انتخابات است ، همینکه انتخاب شدند، مردم و وعده های داده شده را فراموش میکنند و وظیفه اصلی خود را که دفاع از منافع طبقه سرمایه دار است انجام میدهند. با پایان انتخابات دست مردم بکلی کوتاه میشود و دیگر کسی از میان توده مردم نمیتواند این نمایندگان را مورد بازخواست قرار دهد بفرض هم که تحت شرایطی مردم بتوانند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند و حتی در پارلمان اکثریت را بدست آورند، کاری جدی از آنها ساخته نیست. چون اداره امور کشور در دست یک بوروکراسی عریض و طویل در دستگاه دولتی است که وظیفه آن حراست از منافع طبقه حاکمه ست مگر و سازماندهی استثمار است . با وجود این بوروکراسی که جزء لاینفک هر دولت بورژوازی از جمله جمهوری پارلمانی است ، کارگران وزحمتکشان نمیتوانند اراده خود را اعمال کنند و اهداف و مطالبات خود را متحقق سازند. بعلاوه

جمهوری پارلمانی مثل هر شکل دیگر دولت بورژوازی مجهز به ارگانهای نظامی و پلیسی جدا از مردم است که هرگاه توده زحمتکش علیه نظم ستگرانه سرمایه داری بپا میخیزند، آنها را سرکوب میکنند. در این باصطلاح جمهوری دمکراتیک پارلمانی. دستگاه قضائی نیز بعنوان یکی از ارگانهای پاسداری از نظم موجود، دستگاهی ستگر است که معیار قضاوتش قانونی است که تبلور اراده طبقات ستگر و ارتجاعی است . بنا بر این بهره رگس که حتی اندکی به منافع کارگران وزحمتکشان می اندیشد روشن است که این دستگاه دولتی مطلقاً با منافع زحمتکشان بیگانه است و توده مردم ایران نمیتوانند خواستها و اهداف خود را در چنین دولتی متحقق سازند. آنچه که کارگران وزحمتکشان ایران بدان نیاز دارند و میباید آنرا برآورده های جمهوری اسلامی بنا کنند، دولت نوع شورانی است . یعنی دولتی که در آن ابتکار عمل در دست کارگران وزحمتکشان است و این دولت بنا به ماهیت و خصلت طبقاتی اش، برخلاف دولتهای بورژوازی مداخله هر چه بیشتر و گسترده تر مردم را در اداره امور کشور ایجاب میکند.

مختصات این دولت که ما مدافع آن هستیم کدامند؟ همانگونه که پیش از این اشاره شد مهمترین خصوصیت دولت نوع شورانی در این است که بر ابتکار عمل مستقیم و بلاواسطه توده کارگرو زحمتکش مبتنی است . در اینجا از همان پایه ، در کارخانه ها و محلات است که کارگران وزحمتکشان با تشکیل شوراهای ابتکار عمل را بدست میگیرند و با اعمال حاکمیت میپردازند. آنها نمایندگان را برای پیشبرد امور از میان خود بر میگزینند که دقیقاً میشناسند و سوابق و عملکرد آنها را میداندند. مهمتر از این توده مردم از این حق و قدرت برخوردارند که هر زمان عملکرد نماینده یا نمایندگان خود را مغایر و وظائف تعیین شده تشخیص دادند، آنرا عزل و دیگری را بجای وی بر گزینند، لذا

در اینجا اعمال قدرت مستقیم خود مردم جایگزین سیستم بوروکراتیک و مستخدمین این سیستم میگردد که اکنون مجزا از مردم و مافوق مردم اند. مقامات دولتی دیگر از موقعیت متمیزی برخوردار نیستند. نه تنها انتخابی و قابل عزل اند بلکه حقوقی که بآنها تعلق میگیرد از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر تجاوز نخواهد کرد. اما برای اینکه توده مردم بتوانند ابتکار عمل را در دست داشته و از طریق شوراهای خود اعمال حاکمیت کنند ضروریست که تسلیح عمومی خلق جایگزین ارتش و پلیس مجزا از مردم و رودروی مردم گردد. دریک چنین دولتی که پاسدار منافع اکثریت عظیم جامعه است، دیگر نیازی بیک دستگاه قضائی که پاسدار منافع سرمایه داران و کلیه مرتجعین باشد، نیست. سیستم دادگاههای خلقی بر مبنای

قوانین منبعث از اراده توده زحمتکش شکل میگیرند، وقضات نیز نه تنها انتخابی بلکه قابل عزل میباشد.

برای هراسان اندک با وجدانی که از زاویه منافع اکثریت بسیارعظیم مردم بمسئله نگاه کند، روشن است که تنها یک چنین دولتی با چنین مختصات می تواند متضمن دمکراسی وآنهم از عالی ترین نوع آن برای توده وسیع مردم باشد. کسی که حقیقتا خواستار تحقق عالی ترین نوع دمکراسی درایران باشد، نمیتواند مدافع چیز دیگری جز دولت نوع شورانی باشد. تنها اگر یک چنین دمکراسی درایران حاکم گردد، آنگاه میتوان انتظارداشت که مطالبات برحق و انقلابی توده مردم درزمینه آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک، مطالبات رفاهی و اقتصادی آنها متحقق گردند. بحث ما اکنون این نیست که بدون یک دولت نوع شورانی تحقق اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر ممکن نیست. عجلالتا بحث مالینست که حتی برای تحقق مطالبات رفاهی و دمکراتیک عمومی مردم وجود حکومت شورانی اجتناب ناپذیر است. بحث ما اکنون اینست که تنها دریک نظام حکومتی که مردم مستقیما وبه دمکراتیک ترین شکل ممکن از طریق شوراها اعمال حاکمیت میکنند، میتواند آزادیهای سیاسی درکامل ترین و وسیع ترین شکل ممکن تامین گردد. دراینجا دیگر این طبقات مرتجع و دارانیستند که تصمیم میگیرند " آزادی " بدهند، یا آزادی ها را سرکوب کنند. این خود توده مردم اند که آزادی را بدست آورده واز آن حراست میکنند. هیچکس بهتر از توده مردمی که تشنه آزادی هستند نمیتواند از آزادیهای سیاسی پاسداری کند. اگر بورژوازی ایران بخاطر حفظ نظام ستمرگانه و استثمارگرانه سرمایه داری و درانقیاد بنا آگاهی نگهداشتن توده مردم، از برقراری زادیهای سیاسی در ایران هراس دارد، منافع کارگران و زحمتکشان دراینست که آزادیهای سیاسی درکامل ترین شکل آن وجود داشته باشند. چراکه این آزادی برای آگاه شدن و برای متشکل شدن آنها ضروریست. طبقه کارگر بدون آزادی سیاسی نمیتواند از قید خرافات و نا آگاهی نجات یابد. نمیتواند به آگاهی سوسیالیستی دست یابد. نمیتواند خود را بمشابه یک طبقه سازمان دهد و متشکل سازد. نمیتواند اهداف سوسیالیستی خود را متحقق سازد. علاوه طبقه کارگر نمیتواند خود را با شکل صوری آزادیها قانع کند و خواستار اجرای واقعی آزادیهاست. اگر امروز در جمهوری های پارلمانی بورژوازی در محدودده ای آزادیهای سیاسی ابرسمیت شناخته است، در حقیقت کسانی از آن بهره مند هستند که سرمایه و پول وامکانات دارند. این در واقع برسمیت شناختن صوری زادیهای سیاسی است، اما دریک حکومت شورائی که حاکمیت کارگران و زحمتکشان

برقرار است امکانات استفاده از این آزادیها نیز برای توده مردم فراهم میگردد. بنابراین حکومت شورانی است که بشکلی واقعی، همه جانبه و کامل میتواند آزادی عقیده و بیان، آزادی مطبوعات، حق برگزاری میتینگ و اجتماع، آزادی تظاهرات و اعتصاب، حق تشکیل اتحادیه ها، احزاب و سازمانهای سیاسی با اعتقادات و گرایشهای فکری مختلف و غیره را برسمیت بشناسد.

امروزه که کوس رسوانی حکومت مذهبی بر سر هر کوی و برزن بصدای درآمده است و عوم مردم خواستار جدانی دین از دولت اند، حتی برخی از جناحهای بورژوازی اپوزیسیون که مثلا خود را طرفدار جمهوری پارلمانی معرفی میکنند، ناگزیر شده اند که ظاهرا شعار جدانی دین از دولت را سر دهند، اما اینان در واقع نه خواستار جدانی کامل دین از دولت بلکه مدافع پیوند پوشیده دین و دولت اند. آنها تلفیق آشکار دین و دولت را بنحوی که در جمهوری اسلامی وجود دارد نفی میکنند، اما بشکل پوشیده آنرا میپذیرند. چرا که در نهایت خواستار برسمیت شناخته شدن یک مذهب رسمی یعنی اسلام اند. این یعنی پیوند پوشیده دین و دولت و قائل شدن امتیاز ویژه برای یک مذهب خاص، دخالت آن در امور سیاسی و اجتماعی و حقوقی و محرومیت پیروان ادیان دیگر و پاکسانی که هیچگونه دین و مذهبی ندارند از پاره ای حقوق اجتماعی. بعبارتی حاکم ساختن مجدد وضعیتی که در دوران رژیم سلطنتی حاکم بود و کسانی که جز مذهب رسمی اعتقاد دیگری داشتند، از پاره ای حقوق اجتماعی محروم بودند و مذهب نیز نفوذ خود را در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی بانحاء مختلف اعمال میکرد. در حالیکه تنها یک حکومت شورانی میتواند بشکلی قطعی دین و دولت را از یکدیگر جدا سازد، مذهب را امر خصوصی افراد جامعه اعلام کند، هرگونه انحصار مذهب رسمی و هرگونه امتیاز ویژه را برای یک مذهب خاص ملغا سازد حکومت شورانی از آنجائیکه حکومت توده زحمتکش و کاملترین شکل دمکراسی است، مطلقا نمیتواند با تبعیض و پایمال شدن حقوق دمکراتیک مردم سرسازگاری داشته باشد. از اینرو با هرگونه تبعیض و ستم جنسی، نژادی، ملی و قومی آشتی ناپذیر است. ستم و تبعیضی که در جامعه مانست به زنان اعمال میشود در نوع خود کم نظیر است. زنان ایران حتی از برابری حقوقی، صوری و محدودی که در تعدادی از کشورهای سرمایه داری برسمیت شناخته شده است برخوردار نیستند. باید باین وضع اسف بار پایان داده شود و اولین گام در این زمینه برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان است. امروزه خیلی ها ادعا میکنند که خواستار برابری حقوقی زن و مرد اند، اما در واقع این برابری حقوقی هم تنها دریک حکومت شورانی میتواند

بشکلی پیگیر و کامل بدست آید. چراکه حتی دریک جمهوری پارلمانی که ظاهرا این برابری حقوقی برسمیت شناخته شده است، دهها قید و بند محدود کننده این برابری حقوقی رانقض نموده و بورژوازی در موارد متعدد تبعیض میان زن و مرد را عملی میسازد. با این اوصاف دیگر تکلیف بورژوازی مرتجع ایران روشن است که حتی نمیتواند حقوق و آزادیهای را که بورژوازی غرب برسمیت شناخته است، برسمیت بشناسد. در حالیکه دریک حکومت شورانی مسئله کاملا متفاوت است. از آنجائیکه این حکومت کارگران و زحمتکشان است و از آنجائیکه اهداف طبقه کارگر بسی فراتر از تحولات دمکراتیک است و میخواهد در نهایت جامعه ای را بنا کند که از هرگونه ستم، استثمار و تبعیض مبرا باشد، لذا طبقه کارگر حتی به برابری حقوقی کامل قانع نیست و میخواهد زنان در عمل با مردان برابر گردند، از اینرو در مرحله تحولات صرفا دمکراتیک نیز به پیگیری وجه ممکن از برابری حقوق زن و مرد دفاع میکند. پس واضح است که چراتنها یک حکومت شورانی میتواند به تبعیض میان زن و مرد پایان ببخشد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار باشند.

در زمینه مسئله ملی نیز، حکومت شورانی دمکراتیک ترین و رادیکالترین راه حل را ارائه میدهد. اکنون سالهای مدیدی است که بورژوازی حاکم بر ایران بر ملتهای غیر فارس ساکن ایران ستم ملی اعمال نموده و حقوق ملی آنها را پایمال نموده است. طی چند سال اخیر نیز مرتجعین حاکم بر ایران پیوسته مطالبات و خواستههای برحق این ملتهای تحت ستم را بازور و سرکوب پاسخ داده اند. معهدا از آنجائیکه این مسئله نیز همچون دیگر مطالبات مردم ایران با زور و سرکوب قابل حل نیست، همچنان با حدت و شدت مطرح است. اما بورژوازی حاکم نه تنها با امروز نشان داده که جز سرکوب راه حل دیگری ندارد بلکه بورژوازی اپوزیسیون نیز راه حلی برای این مسئله ندارد و در نهایت میخواهد همچون رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی این ملتها را بازور تحت ستم نگهدارد. بالعکس حکومت شورانی دمکراتیک ترین راه حل را ارائه میدهد و حق تعیین سرنوشت را برای ملتهای تحت ستم برسمیت میشناسد. حکومت شورانی اعلام خواهد کرد که منافع کارگران و زحمتکشان ملتهای مختلف ایران در این است که یک دولت متحد تشکیل دهند و ملیتهای تحت ستم از یک خود مختاری وسیع منطقه ای برخوردار باشند، اما این اتحاد نه اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود. در نهایت این مردم ملیتهای تحت ستم اند که تصمیم میگیرند به اینکه در چارچوب کشور ایران باقی بمانند و یا حتی تصمیم به جدانی بگیرند. این یک راه حل

## نابسامانیهای فزاینده

### آموزشی و حکومت اسلامی

وساز واحدهای آموزشی صورت گرفته طی سال گذشته ۱۴ هزار دانش آموز درفضای روباز ویا درزیر کپر اقدام به خواندن ونوشتن کردند " (اطلاعات ۲۹ شهریور ۱۷۲) "مدیر نوسازی، توسعه وتجهیز مدارس استان اردبیل اعلام کرد این استان درسال تحصیلی جاری با کمبود حداقل ۵۰۱ کلاس روبروست " وی اضافه کرد " تعداد ۲ هزار ۱۸۷ باب کلاس درس موجود دراستان نیز بدلیل استهلاک فاقد بهره وری لازم هستند " (سلام ۲۶ شهریور ۱۷۲) " بعلت کمبود فضای آموزشی یکهزارودویست دانش آموز مقطع متوسطه بخش مرکزی گچساران بطور شبانه مشغول تحصیل شده اند " (سلام ۱۸ مهر ۱۷۲)

از روی همین نمونه های جزئی که هرروزه درروزنامه های رژیم هم انعکاس مییابد میتوان به اوضاع کلی پی برد. موضوع کمبود کلاس فضای آموزشی به کرمان وگچساران وبه این استان وان استان خلاصه نمیشود. این مساله همه جانی است وبنابه اظهارات مسئولین مربوطه درحال حاضر دست کم ۲۵۰ هزار کلاس درس کمبود وجود دارد. معنای این سخن اینست که آن تعداد دانش آموزانی که میبایستی دراین ۲۵۰ هزار کلاس احداث نشده می نشستند درهمان مدارس وکلاسهای موجود که درسالهای قبل از این نیز بقدرکافی متراکم وشلوغ بوده اند جا داده شده اند. بعبارت دیگر بیش از ۱۰ میلیون دانش آموزی که میبایستی دراین کلاسهای غایب می نشستند، (بطورمتوسط ۴۰ نفردرهرکلاس)اعلا اضافه برظرفیت مدارس وکلاسهای موجود به همین مدارس وکلاسها سرازیر شده اند. بیهوده نیست که هم اکنون بسیاری از مدارس ۴ شیفته و ۵ شیفته شده وتراکم جمعیت درکلاسها حتی به ۸۰ نفر وبالاتر هم رسیده است. بنا به اعتراف روزنامه سلام " هم اکنون درتهران ودرمناطق چوچون رباط کریم واطراف تهران مدارس با ۴ تا ۵ نوبتی ودربعضی از مناطق استان های لرستان وکرمانشاه کلاس آموزشی با جمعیت ۸۲ نفر دانش آموز وجود دارد". مساله فقط به همین جا وکمبود مدرسه وکلاس خلاصه نمیشود. موضوع دیگر اینست که معلمین مورد نیاز برای میلیونها دانش آموزی که اینطور تنگ هم قرار گرفته وبخشا در فضای باز وزیر کپرها ویادرزیر سقفهایی که به لحاظ شرایط ایمنی بکلی نامطمئن اند، کنار هم چیده شده اند هم وجود ندارد. اکثر استانها با کمبود معلم روبروهستند. مدیر کل استان هرمزگان میگوید " درحدود ۱۵۰۰ معلم درسطح استان کم داریم " " آموزش وپرورش خرمشهر اعلام میکند که با کمبود ۶۰۰ آموزگار روبروست "

سخن گفتن از نابسامانی آموزش وپرورش وکیفیت نازل سطح تحصیل درحکومت نظامی که بنیادش برناآگاهی است و کلیتش ارتجاع محض وعلیه فرهنگ تعالی است، حکومتی که خود اصلی ترین وفعال ترین مروج ونشردهنده جهالت وکهنه پرستی است واز هرگونه امکان واختیاری بدین منظور برخورداراست واز آن بهره میجوید وبلاخره حکومتی که موجودیتش سواي سرکوب فیزیکی درکرو سرکوب فرهنگی، ناآگاهی، فریب، بدآموزی، تحمیق واتیقاد اعضا، جامعه است، پرداختن به جزئیات است. معهدا گاه درمراجعه به همین جزئیات آسان تر میتوان این کلیت را که سران حکومتی میکوشند آنرا دیگر گونه جلوه دهند مجسم نمود. بانگهای ولوسیار مختصر به اوضاع مدارس ودانشگاهها، به وخامت روزافزون وضیعت تحصیل وآموزش وپرورش را میتوان دریافت.

### ۸۲ دانش آموز دریک کلاس !

با وجود آنکه هم اکنون نزدیک به سه ماه از آغاز سال تحصیلی جدید میگذرد، مراکز تحصیلی وسواد آموزی کشور با مشکلات وکمبودهای عدیده ای روبروست. پاره ای از مدارس ودیبرستانها فاقد کتابهای درسی اند، پاره دیگری معلم ودیبر ندارند، بسیاری از محصلین فاقد کلاس اندوغيره وغيره. روزنامه سلام دراینباره مینویسد " بعد از گذشت یکماه از سال تحصیلی هنوز دانش آموزان سال چهارم ریاضی فیزیک دیبرستان شهید پاک نژاد منطقه ۲ (تهران) دیبر ریاضیات، فیزیک ومکانیک وهندسه ندارند" انبوه عظیمی از دانش آموزان پس از آنکه مشکلات پیشماری راز سرگذرانده وبها هزارویک بدبختی توانسته اند شهریه های کمرشکن مدارس راپیردازند وقلم وکاغذی آنهم با قیمتهای بسیار بالا (امداد ۲۰۰ - ۱۵۰ ریال، خودکاریک ۲۰۰ ریال ودفترچه صد بزرگ ۴۰۰ ریال) تهیه کرده وراهی مدارس شده اند تازه درآنجا با مشکلات پیشماری روبروهستند. بنا براطهار وزیر آموزش وپرورش رژیم درحال حاضر ۱۸ میلیون و۱۵۰ هزار دانش آموز وجود دارد. این رقم نسبت به سال ۶۸ یعنی رقم ۱۲ میلیون که ایضا توسط آقای وزیر اعلام شده بود، افزایشی متجاوز از ۵ میلیون و بطورمتوسط سالانه یک میلیون دانش آموز رانشان میدهد حال آنکه نه تعداد مدارس احداث شده ونه تعداد معلمین جدیدحتی بنا به اعتراف خود دست اندرکاران به این نسبت وبه نسبت مورد نیاز نبوده است. کمبود کلاس وفضای آموزشی وامثال آن آنقدر شدید، حاد وآشکار است که چندین سال است حتی مسئولین مربوطه نیز از گفتن آن ابائی ندارند.

مدیر کل آموزش وپرورش کرمان میگوید " با توجه به همه تلاشی که درزمینه ساخت



سال ۶۸ که ۱۲ میلیون دانش آموز وجود داشت برآورد شده بود که تا سال ۷۲ وبنا توجه به روند افزایش تعداد محصلین، لااقل ۲۷۰ هزارمعلم جدید مورد نیاز است حال آنکه درطی این سالها ولو با مقداری ارفاق اگر ۷۰ هزارنفر هم برتعداد معلمین افزوده شده باشد باین وجود کسری معلم رقمی حدود ۲۰۰ هزار است. معهدا باید دید معلمینی که بهرحال برای تدریس به اینگونه مدارس وکلاسها میروند، چه وضعیتی دارند. واقعیت اینست که معلمین جزو اقشار کم درآمد وزحمتکش جامعه اند وبنا حقوق معلمی نمیتوانند چرخ زندگی خود رابچرخانند. معلمین هم مثل میلیونها زحمتکش دیگر برای تامین مخارج سرسام آور زندگی مجبورند به کارهای دیگری روی آورند. یک معلم خوددراینمورد میگوید " وقتی که حقوق من معلم کفاف اجاره بها، منزل اجاره ای ام راندهد... آیا راهی جز تدریس بیشتر برایم باقی میماند؟ ... اغلب همکاران ودوستان من غیر از معلمی شغل دوم وحتى سوم دیگری دارند، با ماشین شخصی در سطح شهر رانندگی میکنند! واسطه گری میکنند، سیگار فروشی میکنند و... " (سلام ۲۱ شهریور ۱۷۲)

بنابراین معلم هم قبل از آنکه درفکر آموزش وامثال آن باشد بناچار بایستی دنبال مسائل دیگری بدود تا نیازهای اولیه خویش راتامین کند. با فرض اینکه نتیجه تدریس معلمی که وقتی برایش نیساند تا خود مطالعه کند وانرژیش اجبارا در جای دیگری صرف میشود، در کلاسی که تا ۸۰ نفر درآن چپانده شده ونفس کشیدن درآن هم آسان نیست، از قبل معلوم است ودیگر نیازی برای صحبت راجع به کیفیت نازل این آموزش باقی نیماند، از این مساله میگذریم. اگر چه تعداد بسیار زیادی از دانش آموزان اساسا بخاطر مسائل مالی ومشکلات اقتصادی نمیتوانند این دوره رابه پایان برسانند واجبارا ترك تحصیل میکنند، معهدا تعداد بسیار زیادی هم بی آنکه هیچگونه نقشه وبنا برنامه ای برای آینده آنها تدارک دیده شده باشد این دوره رابه اتمام میرسانند. سواي چند ده هزار آنها که وارد دانشگاهها میشوند (۱۲۴ هزارنفر درکل کشور - اطلاعات ۴ مهر ۱۷۲) مابقی بیکاروسرگردان در جامعه ای مصیبت زده بحال خویش رها میگردند.

### ۶۰ دانشجو، یک استاد !

حال ببینیم اوضاع دانشگاهها وآموزش عالی به چگونه است. اوضاع آموزشی دردانشگاهها اگر بدتر از اوضاع مدارس نباشد بهتر از آنها نیست. اگر چه تعداد دانشجویان نسبت به سالهای قبل افزایش یافته است وبنابه ادعای معاون وزارت فرهنگ وآموزش عالی " هم اکنون یک میلیون ویک صد هزار دانشجو درکل

محروم اند و اوضاع مدرسه و دانشگاهش هم چنین است، این وضع آموزش و پرورش است در حکومت اسلامی. به راستی در یک حکومت ارتجاعی و مذهبی چه جانی برای آموزش و پرورش و تعالی انسان باقی میماند؟ در حکومتی که نهایت هنر رئیس جمهورش اینست که جاسوسان رژیم را روانه دانشگاه کند و بگوید "یک سوم دانشگاه تهران از ایثارگران و خانواده های شاهد هستند" و آنرا "نشانه عدالت

بایستی به جدول زیر مراجعه کرد. این جدول که در روزنامه اطلاعات سوم مهر ۷۳ چاپ شده است شاخص هزینه های جاری بخش آموزش عالی به تولید ناخالص ملی رادر چند کشور نشان میدهد. با مقایسه شاخص مالی آموزش عالی ایران و سایر کشورها، اوضاع رقت بار و اسف انگیز در این زمینه، میزان توجه نظام جمهوری اسلامی و بالاخره دروغ های آقای رفسنجانی را بهتر میتوان تشخیص داد.

نسبت مخارج جاری بخش آموزش عالی دولتی به تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۱								
شماره	نام کشور	درصد	شماره	نام کشور	درصد	شماره	نام کشور	درصد
۱	بوتسوانا	۰,۷۹	۸	جامائیکا	۰,۸۷	۱۵	اتریش	۱,۰۱
۲	بروندی	۰,۹۵	۹	پاناما	۱,۰۱	۱۶	بلژیک	۰,۸۲
۳	مراکش	۰,۷۷	۱۰	شیلی	۰,۶۳	۱۷	بلغارستان	۰,۷۷
۴	نامیبیا	۰,۴۶	۱۱	اکوادور	۰,۶۵	۱۸	فنلاند	۱,۷۷
۵	جیبوتی	۰,۴۹	۱۲	اروگوئه	۰,۶۸	۱۹	فرانسه	۰,۷۲
۶	کاستاریکا	۱,۵۹	۱۳	مالزی	۰,۹۰	۲۰	نروژ	۱,۱۳
۷	هندوراس	۰,۷۵	۱۴	ایران	۰,۵۷	۲۱	نیوزلند	۲,۲۴

در توسعه آموزش عالی " بخواند (اطلاعات ۴ مهر ۷۳) در حکومتی که وزیر آموزش و پرورشش پیام بفرستد که " مدیران بعنوان مسولان تعلیم و تربیت باید برای اقامه نماز جماعت در محیط های آموزشی و نظارت بر بازده معنوی و تربیتی کارمندان اهتمام نموده و فضای مدارس را مزین به مراسم عبادی و دینی کنند " ! (رسالت ۲۳ شهریور ۷۳) دیگر از کدام " آموزش " و " توسعه " اش میتوان سخن گفت؟ در یک چنین نظامی و بایک چنین تفکری دیگر چه جانی برای آموزش و پرورش انسان باقی میماند؟ " ولو یک گام جدی در این عرصه هم، الزاما کارراره اصطکاک با این تفکر و نظام میکشاند، چنین گامی نمیتوان برداشت مگر آنکه نخست باین تفکر و باین نظام تعیین تکلیف نمود.

واقعیت امر اینست که حکومت اسلامی در عرصه آموزش و پرورش نیز جامعه رابه قهقرا سوق داده است. این رژیم ارتجاعی و آگاهی ستیز، جزبه غارت و چپاول هرچه بیشتر و سریمتر داروندار مردم نمی اندیشد. ثروت های اجتماعی را در چنگ گرفته و هر طور که مایل است آنرا حیف و میل میکند. میلیاردها میلیارد تومان را صرف ارگانهای رنگارنگ سرکوب و نهادهای جاسوسی میکند، میلیاردها میلیارد تومان را بمنظور اشاعه و تقویت ارتجاع اسلامی در اختیار حزب الله و دیگر باندها و دسته جات ارتجاعی قرار میدهد. میلیاردها میلیارد تومان را صرف ساختن گنبد و بارگاه، مسجد و نماز خانه و تبلیغات دینی میکند. در عوض میلیونها نفر از مردم ایران حتی سواد خواندن و نوشتن هم ندارند، میلیونها تن دیگر از ادامه تحصیل

کشور وجود دارد" معهدا این افزایش کسی مطلقا با افزایش امکانات لازم مربوطه در سطح آموزش عالی تناسب نداشته است که هیچ، بلکه قویا با کاهش چشم گیر و فاحش کیفیت این آموزش روبرو بوده است. هم اکنون تقریبا همه دانشگاههای موجود با کمبود استاد، وسائل و امکانات آموزشی و آزمایشگاهی و نظیر آن روبرو هستند. بسیاری از این باصطلاح دانشگاهها صرفا مکانهایی هستند برای اخاذی مبالغ کلانی پول و ارانه مدرکی که هیچ دودی رادوا نمیکند. دست اندرکاران حکومتی و غیر حکومتی در اینجا نیز در واقع به کاسبی و تجارت مشغولند. روزنامه سلام ۲۸ شهریور از قول یک دانشجو مینویسد " من دانشجوی کارشناسی مشغول تحصیل در سازمان آموزش مدیریت دولتی هستم الان سازمان مبلغ ۲۸۰ هزار تومان برای چهارترم شهریه درخواست نموده است ". دولت و دیگر مالکین و صاحبان دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی تا آنجا که زورشان برسد از دانشجویان اخاذی میکنند. طرحی که اخیرا دولت در نظر داشت آنرا در برنامه دومش اجرا کند بر همین پایه بود که اعتراضات دانشجویان را برانگیخت و آنرا وادار به عقب نشینی کرد. سرمایه داران و گردانندگان حکومتی همواره در فکر پرکردن کیسه های خود هستند. جمهوری اسلامی در زمینه پرورش کادرهای دانشگاهی مورد نیاز ولو در محدوده سیاستهای دولت رفسنجانی هم کاملا ناکام مانده است. یک استاد دانشگاه در این مورد میگوید " اگر منظور از تربیت نیرو در داخل کشور با نیروهای مدرس موجود، از نظر تعداد و کیفیت و امکانات موجود باشد، این آموزش با شکست کامل مواجه خواهد شد ". استاد دیگری میگوید " دانشگاهی وجود دارد که با دوفتر دوره دکترا راه اندازی کرده است در صورتیکه در خارج از ایران برای یک درس بیش از ده نفر استاد در نظر میگیرند " و بالاخره یکی از اساتید دانشگاه تهران در مورد کمبود کادر آموزشی چنین میگوید " نسبت استاد به دانشجو در رشته شیمی دانشگاهها حدود ۱۱ است و در برخی از دانشگاهها به ۲۲ نیز میرسد. اکثر اعضا هیات علمی دانشگاه آزاد نیز تدریس میکنند که اگر این ارقام رابه حساب بیاوریم نسبت تعداد دانشجو به استاد به ۶۰ میرسد که به خوبی وخامت اوضاع رادر رشته شیمی از نظر کمبود کادر آموزشی نشان میدهد " (اطلاعات ۲۰ شهریور ۷۳)

از روی همین نقل قول ها حتی، میتوان به اوضاع اسف بار آموزش عالی پی برد معهدا شخص رفسنجانی ادعا میکند که " نظام جمهوری اسلامی توجه زیادی به بخش آموزش عالی، متوسطه و ابتدائی و غیره دارد ". حال معیار این توجه زیاد چی هست معلوم نیست. برای آنکه میزان این توجه بهتر مشخص شود



برای تامین لقمه ای نان، به یاری بابا شتافته است و بردقترش مشق بابا نان داد مینویسد (عکس از روزنامه رسالت ۲۶ شهریور ۷۳)



## مجاهد «انترناسیونال»! «انترناسیونال» لیبرال!

شماره ۱۵ «انترناسیونال»! نشریه حزب کمونیست کارگری ایران \* که در شهر یورسال جاری انتشار یافته است، مقاله ای با عنوان «روایهای ممنوع مجاهد» بقلم آقای منصور حرکت بچاپ رسانده است که خواندنی و از جهات زیادی تامل برانگیز است. مقاله که اساساً بایک رشته کلمات و جملات سطحی و برداشتهای فراطبقاتی اسکلت بندی شده است میخواهد این موضوع را بیان کند که مجاهد و شوروی ملی مقاومت اش تحت هیچ شرایطی در ایران بقدرت نرسد و عجلتانه چگونه خطری برای انقلاب ایران محسوب نمیشود بزمین پایه است که نویسنده مقاله نه فقط خود در برابر این جریان و اقداماتش برای رسیدن به قدرت بی وظیفه و خشن است بلکه همین بی تفاوتی را نیز اشاعه داده و تبلیغ میکند.

مقاله اینطور آغاز میشود «رهبری مجاهدین بطرز غریبی مفتون قدرت دولتی و تشریفات و مراسم و ملحقات آن است هر حزب سیاسی جدی طبیعتاً برای قدرت سیاسی تلاش میکند ابزاری که امکان میدهد برنامه و اهدافش را به اجراء آورد اما علاقه مجاهدین به قدرت دولتی از این جنس نیست زمینی نیست یک شیفتگی نیمه مذهبی نیمه کودکانه است... کلمات رئیس جمهور رهبر نخست وزیر تکابینه وزیر فرمانده و امثالهم طنین عجیبی در میان این هادارد... و در جای دیگری میگوید «مجاهد در تایز یادوران مثنی چریکی یک فرقه است... عمل خروج آن از ستررسی مشخص نیست... اینها پیرچم و چیزهای راد دست ندارند نماینده چیزی و کاری و اعتراضی و ارمانی در خود جامعه نیستند» و مجاهد من فقط فاقد یک سیمای تعریف شده سیاسی بلکه همچنین فاقد مطلوبیت دورانی برای طبقات اجتماعی است» تاکیدهاهمه جازماست» به اعتبار این عبارات و نظایران که در جای جای مقاله تکرار شده و از صراحت کافی برخوردار است کوششهای سازمان مجاهدین برای کسب قدرت که امروز اساساً از کانتال «شورای ملی مقاومت» پیش برده میشود فاقد هرگونه انگیزه و عمل مادی و طبقاتی است تمام تلاشها و تحریرات این جریان برای رسیدن به قدرت ناشی از علائق و انگیزه های غیر زمینی یعنی که «اسمانی» و ناظر بر یک شیفتگی نیمه مذهبی نسبت به قدرت و نسبت به یک رشته القاب و تشریفات دولتی است نه برنامه و هویتی دارندونه تملقی به هیچیک از گروه بندیهای طبقاتی و خلاصه معلوم نیست که اینها چرا همان مجاهدین گذشته نیستند و از آن سیر خارج شده اند؟! حقیقتاً اینگونه اظهار نظر هائهم بعد از آنکه نزدیک به شانزده سال از قیام بهمین گذشته است و جریان مبارزه طبقاتی در طول این سالها بسان نورافکنی زیر بوالای همه جریانهای سیاسی راد معرض تماشانهاده است شکفت انگیز است در رابطه با «مطلوبیت مجاهدین» برای طبقات اجتماعی بمابین تر صحبت خواهیم کرد اما مقدمتاً ضروری است مختصراً اشاره ای به ماهیت طبقاتی و جایگاه مجاهدین در صفتند و یواکروهبندیهای اجتماعی داشته باشیم.

### \* ماهیت و جایگاه مجاهدین

برهیکس پوشیده نیست که سازمان مجاهدین خلق ایران سابقاً از خصوصیات یک سازمان دمکرات انقلابی برخوردار بود این سازمان از تحولات انقلابی دمکراتیک در ایران دفاع میکرد و مخالف ارگانها و نهادهای بوروکراتیک و ارتجاعی بود خواستار انتقال قدرت بدست «خلق» و برافتادن سلطه امپریالیسم در ایران بود مجاهدین زمانی حتی از سوسیالیسم و کمونیسم هم وحشی تر بود و راه نمیدادند و فراتر از آن از اینکه خود را حتی مدافع سوسیالیسم هم بدانند ابائی نداشتند و متحدین خویش راد در میان کمونیستها و نیروهای انقلابی جستجو میکردند مجاهدین بر زمینه این خصوصیات و سیاستها و بر زمینه گرایش های عمومی همه باهم در مراحل اولیه جنبش انقلابی طی پروسه ای توانست جمعیت بالنسبه زیادی از اقشار خرده بورژوازی را جلب نموده و یاد در صغوف خود جای دهد و اگرچه ناپیکیریهای ذاتی این اقشار را با خود حمل میکرد معهدایک نیروی دمکرات و انقلابی و در صغف انقلاب بود.

تشدید مبارزه طبقاتی در سالهای بعد از قیام اما گروههای سیاسی خرده بورژوازی و سازمان مجاهدین خلق را که عمده ترین جریان خرده بورژوازی بود با تغییر و تحولاتی رو برو ساخت مبارزه حاد طبقاتی در این سالها قابل از هر چیز زمینه ای را که مجاهد بر متن آن میتوانست میان طبقات اصلی جامعه نوسان کرده و بعنوان یک نیروی بینابینی و خرده بورژوازی عرض وجود کند کور ساخت و آوزی گرفت در شرایط جدید مجاهد دیگر نمیتوانست موقعیت پیشین خود را حفظ نموده و مواضع مستقل و استواری اتخا کند و ناگزیر به تجزیه و الحاق به یکی از دو قطب و دو طبقه اصلی جامعه بود سازمان مجاهدین طی یک پروسه نسبتاً کوتاهی پس از قیام از انقلاب توده مردم روی بر تافت گام به گام در منجالب «لیبرالیسم» و رغلطید و بندوبست و سازش با بورژوازی رابرگزید همپای پیشبرد این سیاست در عرصه داخلی در سیاست خارجی نیز راه اتحاد و همبستگی با بورژوازی بین المللی و مرتجعین راد برپیش گرفت اگر که

«میشاق» این حضرات با صدراعظم بنی صدر «لیبرال» و علم کردن «شورای ملی مقاومت» بایک پلانتفرم خالصاً بورژوازی نقطه عطفی در چرخش تاریخی و استحاله مجاهدین بود و روند استحاله این ها اما در سالهای بعد تمیق بیشتری یافت مجاهد که دست در دست کسی گذاشته بود که خود دست در دست خنثی انقلاب را میگوید بسرعت استعدادهای بیکران خویش راد در همین راستا و در پذیرش شعارها و برنامه های وی بنمایش گذاشت و در غیاب بنی صدر پیرچمی را که اودردفاع از بورژوازی و «لیبرالیسم» بدست گرفته بود خود بردوش گرفت و اشکارا به دفاع از منافع طبقه سرمایه دار و نظم پوسیده و ارتجاعی موجود و زود بند با امپریالیسم برخاست.

تمامی تحركات و سلسله انقلابات ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک این جریان از سال ۶۰ ببعبدالاستثناء تاییدی است بر تمیق هرچه بیشتر همین روند مجاهد طی این سالها در تلاش بوده است تا هرچه بیشتر همه جانبه تر سیاست های خویش را به لحاظ نظری و عملی با سیاست های دولتهای امپریالیستی در ایران منطبق ساخته و این انطباق را به اثبات برساند مجاهد همه گونه تلاش را به عمل آورده است تا خود را به عنوان یک متحد قابل اطمینان به این دولتها بشناساند هرچند که مجاهدین نوبتترین و بمبارتی بی ریشه ترین جریان درون گروه بندیهای بورژوازی را تشکیل میدهند و جایگاه انها مانند دیگر جریانات بورژوازی فراموش «نهضت آزادی» کاملاً تحکیم نیافته است معهداً این مسئله هویت بورژوازی مجاهد را نفی نمیکند و انگهی نباید از حق گذشت و از نظر دور داشت که انهابرای تحکیم خود در این جایگاه انرژی زیادی بکار بست و «بیچ» های متعددی راز سرگذرانده و حسابی سرمایه گذاری نموده اند مجاهدین نه فقط در برنامه «شورای ملی مقاومت» شان از حریم مقدس مالکیت خصوصی و نظام سرمایه داری دفاع کرده اند بلکه کراز اد رسخنرا و ناملاقاتهای خویش با محافل و وابستگان به دولتهای امپریالیستی بر امنیت سرمایه و التزام به بورژوازی بین المللی تاکید ورزیده اند هم اکنون نیز بایک تحول انقلابی و دمکراتیک در ایران مخالفت میورزند و مثل هر جریان بورژوازی دیگر مخالف ارگانهای اقتدار توده ای و طرفدار ارگانهای بوروکراتیک و نهادهای پوسیده و ارتجاعی اند با کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی خصوصت میورزند و سوزای اینها با حق تعیین سرنوشت خلفا جلدانی کامل دین ازدولت مخالفند و مدافع یک حکومت اسلامی از نوع «دمکراتیک» ان هستند بنابراین دمکراسی و آزادیهای سیاسی را به رسمیت نمی شناسند مجاهدیک جریان بورژوازی شدیداً مذهبی است برنامه مخواست و منافعی جدای از برنامه و منافع بوژوازی ندارد و لوانکه اختلافاتی با دیگر رایه های پراکنده بورژوازی داشته باشد و در یک کلام مجاهد به لحاظ طبقاتی بورژوازی متوسط را نمایندگی میکند در کنار جریان «نهضت آزادی» و در صغف ضد انقلاب است با این تفاوت که جریان اخیر خواهان استحاله رژیم حاکم و مجاهد خواستار سرنگونی آن است.

نکته ای را که در اینجا بایستی روی آن انگشت گذاشت مخصلت مذهبی سازمان مجاهدین و حکومت مورد نظر انهاست نکته اینست که این مخصلت مذهبی باندازه سرسوزنی در جایگاه و سرشت طبقاتی انها تغییریری ایجاد نمیکند ساده آیدیشی محض خواهد بود کسی چنین تصور کند مجاهد بخاطر هیچ و پوچ دست در دست بنی صدر «لیبرال» میگذارد و «شورای ملی مقاومت» را میاندازد ساده آیدیشی و اشتباه محض است اگر کسی تصور کند که مجاهد بخاطر هو او هوس و بخاطر یک سری «لقاب» و تشریفات با جمهوری اسلامی در افتاده است و دانند در محافل امپریالیستی پرسه میزند پوشش مذهبی و ایدئولوژیک این جریان انهم تجربه عینی جمهوری اسلامی را پشت سر داریم مطلقاً بایستی موجب سردرگمی و یابرداشت انحرافی گردد اندک خراشی سطحی حتی بر این تن پوش ظاهری کانیست تابع و رکن بورژوازی ان ظاهر شود بنابراین اگر که اینها مفتون قدرت دولتی اند اگر که «شیفته» تکابینه و نخست وزیر و امثال آنهاند میخوانند باروش خود خواسته های بورژوازی خویش را عملی کنند و به منافع طبقاتی خویش دست یابند و در این موضوع برخلاف تصور نویسنده مقاله «روایهای ممنوع مجاهد» مطلقاً هیچ چیز «عجیب» و «غریبی» وجود ندارد!

«ایا انقلاب ایران را خطر مجاهد تهدید میکند؟»

«ایا بورژوازی بین المللی («انترنآیو») مجاهد را بر سمیت میشناسد؟»

میشناسد!

ایا انقلاب ایران را خطر مجاهد تهدید میکند؟ ایابورژوازی بین المللی «انترنآیو» مجاهد را بر سمیت میشناسد؟ در مقاله یاد شده پاسخ های مستقیمی به این سنوالات داده نشده و اما در بحث های ارانه شده و پاسخ های غیر مستقیم ان چنین خطری و احتمالی مردود اعلام شده است از نقطه نظر نویسنده مقاله قدرت دولتی در هرحالتی برای این جریان یک «میوه» ممنوعه است مجاهد هیچ نقش



همین رشد و بلوغ بورژوازی امپریالیسم هم در بندوبست های خود با جمهوری اسلامی از این جریان بمثابة ابزار استفاده نموده است و خواهد کرد استراتژی امپریالیسم سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی سرکوب مبارزات انقلابی توده ای و حراست از منافع سرمایه است مادامکه جمهوری اسلامی قادر باشد چنین نقشی را بخوبی و مطابق تمایلات و سیاستهای امپریالیستی ایفا کند بورژوازی اپوزیسیون (در اینجا سازمان مجاهدین و ملحقان آن) نقشی فراتر از نقش کنونی خود نخواهد داشت و لوانکه روزی صدهزار بار نفرت خود را از کمونیست ها و انقلابیون اعلام نموده و بایک انقلاب توده ای به نفع کارگرو زحمتکش مخالفت و خصومت ورزد و یاصدها برابر بیش از آنکه می کند اراادت قلبی خود را در گفتار و عمل به سرمایه جهانی به اثبات برساند تاکنیک های "رزمی" در جوار خاک بگیرد میهن "و فتح تهران" به شیوه "فتح گریلا" جای خود را بر ابراه انداختن مراسم رقص و آواز در اروپا و آمریکا عوض بکنند یا نیکند نشان شیرو خورشید بر پرچم مجاهد الصاق

بشود یا نشود. ۲۰۰ تیرجای ۲۰ خرداد را بگیرد یا نگیرد مصدق پیشوای "مجاهد قلند" شد یا نشود تشکیلات مجاهدین منحل بشود یا نشود... و بیا هرگونه اقدام "انقلاب" ایندولورژیک غیر قابل انتظار یا قابل انتظار دیگری جهت آنکه بورژوازی بین المللی و دولتهای امپریالیستی مجاهد را بیش از این "جدی" بگیرند صورت بگیرد یا نگیرد، عجلالتها چگونه تغییر در معادله فوق صورت نخواهد گرفت البته این موضوع بمعنای این نیست که امپریالیسم تحرکات راوارسی نکرده و بیکل برایش بی اهمیت است بالعکس بورژوازی بین المللی برای پیش از این رازیر نظر دارد و البته که مناسبات خویش را با مجاهد گسترده تر نموده و بیش از این خواهد کرد چراکه در تعمیق و گسترش این مناسبت اهداف دراز مدت تری را تعقیب میکند واقمیت این است که هیچکس تضمین نداده است اوضاع بر همین روال فعلی بچرخد و جمهوری اسلامی هم موقعیت خود را حفظ کند و قادر باشد تمام و کمال نقش خویش را در رابطه با حراست و پاسداری از منافع سرمایه بازی کند اتفاقا اوضاع داخلی رژیم بیش از هر وقت دیگری اوج گیری جنبش کارگری و اعتراضات توده ای از یک سو و از دیگری سوناتوانی رژیم در مهار این مبارزه را ننویسد اما اگر که کنترل و سرکوب این مبارزات از دست جمهوری اسلامی خارج شود و بالاخره اگر که سرنگونی جمهوری اسلامی به امری حتی مبدل شود و منافع بورژوازی بطور جدی بخطر افتد در این صورت معادله یاد شده اعتبار خود را از دست میدهد در یک چنین شرایطی هیچیک از جناح های بورژوازی قادر به مهار جنبش انقلابی نخواهد بود و بورژوازی جهانی "شورای ملی مقاومت" مجاهد یعنی "مطلوب ترین" "الترناتیو" برای چنین شرایطی را بر وی صحنه خواهد کشاند اینجاد دیگر حتمالاً لازم نیست که "ایران" بخواند "بعنوان یک جغرافیای سیاسی و اداری واحد" مضمحل گردد تا زمینه عمل برای مجاهد هم پیدا شود مسئله کلیدی همان بخطر افتادن منافع حیاتی سرمایه است که اقدامی جدی برای نجات انرا در دستور کار فوری بورژوازی قرار میدهد بورژوازی بین المللی و نیز بورژوازی داخلی اینبار البته خوب میدانند که دیگر نمیتوانند به شیوه گذشته توده مردم بپاخاسته را فریب داده فراموشی در جوی رابه عباوعامه ملیس سازند و امام دیگری اختراع کنند و انقلاب رابه شکست بکشاند کارگرو زحمتکشی که انقلاب کرده و جمهوری اسلامی را زیر کشیده است این فرصت رابه آنها نخواهد داد. از اینرو آنها نیز در پی آنند که از همان آغاز توسط یک جانشین مقتدر و بی رحم و بیانیروهای متمرکز سرکوب جنبش انقلابی را در هم بکوبند مجاهد نیز بیش از آنکه دنبال عباوعامه باشد در اندیشه یراق و کلاه اهتی است و به اونفورم ملیس شده است در سرکوب انقلاب همه لایه های بورژوازی مجاهد را تحسین خواهند کرد و کلیت این طبقه برایش هورا خواهد کشید دیرتر و یازود تر رسیدن مجاهد به "بارگاه غرب" ایخوان بورژوازی جهانی آخده است ای به اصل مسئله وارد نمی سازد وقتی که قرار باشد انقلاب کارگرو زحمتکش منافع سرمایه و امپریالیسم را بخطر اندازد هرکس که بهتر بتواند جلوان بایستد و در همش بشکند و سرمایه رانجات دهد به وسط صحنه فرستاده و حمایت میشود حال خواه کمی زودتر به "بارگاه غرب" رسیده باشد و یا کمی دیرتر بنا بر این نه گسترش مناسبات محافل دولتهای امپریالیستی با مجاهد و حمایت از آن در حال حاضر و نه به روی صحنه آوردن آن بعنوان "الترناتیو" در وقت لازم هیچکدام نه فقط دور از ذهن و "نامحتمل" نیست که بسیار هم محتمل است.

نویسنده مقاله با ذکر این نکته که انتقال حمایت امریکا از شاه به خمینی برای بسته شدن پرونده سلطنت کافی بود اما جمهوری اسلامی در موقعیت رژیم شاه نیست و بالترناتیو شدن فرضی مجاهد جمهوری اسلامی به تشتت کشیده میشود و بپاشاره به این حقیقت که مردم هم آن مردم نیستند در بیخطر جلوه دادن جریان مجاهدات ناچاپیش می رود که حتی می خواهد و انود کند جمهوری اسلامی هم نسبت به مسئله "الترناتیو" شدن مجاهدی تفاوت است و حساسیتی ندارد. بحث اصلا بر سر این نیست که موقعیت امروز جمهوری اسلامی عینا شبیه موقعیت رژیم شاه در استان سرنگونی است بویا مردم همان مردم هستند مادر مردم و موضع آنها در برابر مجاهد بعد اصحت خواهد بود که خواهم کرد بحث اینست که ایامجاهد از سوی محافل امپریالیستی به بازی گرفته میشود یا نه؛ آیا برای انقلاب ایران خطر محسوب میشود یا نه؟ سنوالاتی که نویسنده مقاله به هردوی آن

ووزنی در تحولات اتی و معادلات سیاسی ندارد مگر بر "متن یک هرج و مرج" و "جنگ داخلی کشدار و کمبایش دانسی" که بخواند "ایران" را "بعنوان یک جغرافیای سیاسی و اداری واحد" به اضمحلال بکشاند فقط در تحت چنین شرایطی است که مجاهد "میتواند نقش" انهم "فرعی" بازی کند! فراتر از این هیچ نکته قابل ذکر دیگری نیبند و لاجرم چنین دیدی را القا میکند که گویا دعوی مجاهد فقط بر سر "کلمه الترناتیو" است مجاهد دست به هیچ کار دیگری نخواهد زد و مسئله آن حداکثر این است که بعنوان یک دولت "الترناتیو" شناخته شود و دیگر هیچ "لمینویسد" مفهوم کلیدی برای مجاهدین کلمه الترناتیو است "مجاهدین قصد ندارند و قرار نیست شورش انقلاب جنبش رهانی بخش بکودت و تاوغیره ای را علیه رژیم برپا کنند و بر این مبنای قدرت برسند بلکه آنها میخواهند بعنوان "الترناتیو حکومت شناخته شوند" و سپس چنین اضافه میکند که "نقش انتقال حمایت امریکا از شاه به خمینی برای بسته شدن پرونده رژیم سلطنت کافی بود اما رژیم اسلامی در این موقعیت نیست و مردم هم آن مردم نیستند نه جمهوری اسلامی بالترناتیو شدن فرضی مجاهد در انتظار دول غربی به تشتت کشیده میشود نه مردم در دنیای امروز نقش حمایت امریکا و غرب از حزب و جریانی را مبنایی برای الترناتیو دیدن آن می شمارند" و خلاصه با ذکر اینکه مجاهد "دیر به بارگاه غرب رسیده است" هرگونه احتمالی را که مجاهد و ملحقان آن ولو بعنوان یک جریان دست پرورده بورژوازی بین المللی به قدرت برسد مردم می شمارد.

این شیوه نگرش به مسائل و این دید که می خواهد سازمان مجاهد و ملحقان انرا بطور کلی و حتی از نظر جمهوری اسلامی یک جریانی مطلقا بی اهمیت جلوه دهد بیکل از واقعیات موجود دور است سخن گفتن مجدد از اینکه مجاهد فقط بخاطر کلمات و عبارات نیست که در صحنه سیاسی حضور یافته است زانداست مجاهد عاشق و شیدای "کلمه الترناتیو" است مجاهد اگر اهم تلاش است که محافل دول و امپریالیستی وی را بعنوان الترناتیو حکومت اسلامی بشناسد در واقع امر دنبال منافع مادی طبقاتی خویش است منافع طبقاتی وی هم در این خلاصه نمیشود که لقب الترناتیو را از این محافل و دولتها جایزه بگیرد بلکه دنبال است که از این طریق بر عزم خود راه رسیدن را با استفاده از کمک ها و حمایتی همه جانبه تر این دولتها سهل الوصول تر و نزدیکتر سازد مجاهد خواستار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و دنبال کسب قدرت است تا اهداف خویش را متحقق سازد و تا آنجا که مربوط به خود این جریان است در مقام یک جریان ضد انقلابی به هرکاری دست خواهد زد و بنا بر این صدور این حکم که گویا مجاهد قصد ندارد شورش برپا کند و یاکودت نماید بیش از آنکه دلیلی بربک پیش بینی داهیه باشد همین این حقیقت ساده است که صادر کننده ان از مسائل و شرایط مشخص ایران بیکل پرت افتاده و از ترس اینکه آرامش فکرو خیالش بر هم بخورد نمی خواهد خود را با این مسائل و مشکلات از نزدیک درگیر کند مسئله را کمی بیشتر بشکافیم و ببینیم اوضاع واقعی بر چه منوال است اول اوضاع داخلی رژیم به شدت وخیم و بحرانی است سیاستهای دولت که به اعتباران میبایستی بهبود و رفاه حاصل میشد در کلیه عرصه ها با شکست روبرو گشته و انچنان شرایطی را بلحاظ اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بر مردم تحمیل نموده است که تحمل کردنی نیست ناراضی توده ای اکنون بر حله ای رسیده است که رژیم برغم سیاستهای سرکوبگرانه خود قادر به جلوگیری از انفجار آن نیست جنبش های اعتراضی توده ای مستقیم و علنی و قهرآمیز در حال گسترش است و روبرو اعتلا از سوی دیگر اوضاع بین المللی نیز بروفق مراد رژیم نی چرخد دولتهای امپریالیستی بر مجموعه فشارهای سیاسی اقتصادی و دیپلماتیک خود بر جمهوری اسلامی افزوده اند نه اوضاع داخلی و نه اوضاع بین المللی هیچکدام به سود رژیم رقم نیخورد جامعه ایستند تحولات است این تحول بیش از گذشته به یک مسئله جدی تبدیل شده است بورژوازی ایران بالعموم و بالاخص بورژوازی اپوزیسیون به همراه بورژوازی جهانی مثل همیشه مراقب اند در تاملات اتی اوضاع از دست آنها خارج نشود این موضوع را نباید فراموش کرد که بورژوازی بین المللی مخالفت و یا تعارضی با دولت مذهبی ندارد مناسبات و زد و بندهای دولتهای امپریالیستی با حکومت اسلامی بعینه این مسئله راثابت نموده است امپریالیسم عجلالتها خواهان ساقط شدن رژیم حاکم بر ایران نیست هرچاکه سیاستهای جمهوری اسلامی با سیاستهای امپریالیسم زاویه داشته و از هم خوانی لازم بان برخورد از نبوده است امپریالیسم اساسا تاکیه بر فشارهای دیپلماتیک و استفاده از ابزارهای سیاسی و گاه اقتصادی کوشیده است جمهوری اسلامی را وادار کند که بطور کامل ماهانگ با سیاستهای امپریالیستی حرکت نماید در راستای همین سیاست است که همواره از بورژوازی اپوزیسیون سودجسته و میجوید بگرچه این بورژوازی در اپوزیسیون لایه های مختلفی را تشکیل میدهند معهدا امپریالیسم از هر یک به فراخور ظرفیت ها و استعداد هایشان بهره جسته و هیچیک را از درگاه خویش نرانده است.

سازمان مجاهدین عینا در خدمت همین اهداف و سیاستهای بورژوازی جهانی به بازی گرفته شده است مجاهد بیش از ده سال است که در مکتاب امپریالیستی به مشق دیپلماسی مشغول است پروسه رشد و بلوغ بورژوازی خویش را از سر گذرانده و دیگر جای زیادی بر روی سینه اش برای الصاق بیشتر مدال های بورژوازی اهداتی محافل امپریالیستی باقی نمانده است بموازات





هیچکس رامتوهم نخواهد ساخت ونظر مردم را عوض نخواهد کرد مردم که يك باردچاراين توهم شده غريب حكومت اسلامي را خورده اند وتاوان بزرگي هم برايش پرداخته اند ، ديگر بار اين تجربه را تکرار نميکنند و در يك کلام توده مردم دست رده سينه مجاهد و حکومتش زده اند .

### • يك منطق ويك نتيجه گيري

روح مقاله "روياهاي ممنوع مجاهد" سرشار از يك بي تفاوتی بامعنی نسبت به تحولات جاری جامعه است نویسنده مقاله با ارائه يك تحليل غيرواقعي از سازمان مجاهد یعنی جریانی که بیشتر از همه لایه های بورژوازی نه در فدای دوردست و نامعلوم که از همین امروز انقلاب ایران را تهدید میکند و هوشیاری و اشتراك مساعی کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی جهت ره جونی و تدارك جدی وعملی يك بدیل انقلابی را بنامه امری فوری در سرلوحه برنامه انها قرار میدهد تحركات این جریان را سرسری گرفته انرا نوعی شوخی وبکلی بی اهمیت قلمداد میکند ونهایت از "بامزه بودن و بیان بودن ان صحبت میکند و خلاصه با خوشخیالی مخصوصی از کناران میگذرد . کسیکه مقاله یاد شده را تا آخر خوانده باشد یقیناً این موضوع را هم دریافته است که این شیوه نگرش به مسئله تا کید صرف بر خصلت مذهبی مجاهد انکار ماهیت طبقاتی این جریان و پرده کشی روی ان چندان هم بی مورد نبوده است .

نویسنده مقاله که مجاهد را جریانی بی طبقه وغیرواقعی میخواند که "در حرکت ومصلح اجتماعی طبقات داخلی جامعه سرمایه داری ریشه ندارد" عیناً بر همین پایه است که در ایچادیک "کابوس" و "هرج و مرج" و "تجزیه و"اضمحلال ایران" که انرا "سناریوی سیاه" میخواند اساساً نقش ولویک نقش فرعی به مجاهد میدهد از اینچاپنین نتیجه میگیرد که برای اجتناب از این "سناریوی سیاه" وطی شدن يك روند "متعارف" و "سفید" بایستی سراغ کسانی رفت که این خصوصیات را نداشته باشند . کسانی که منافع بنیادی تری داشته باشند بر يك طبقه اجتماعی تکیه داشته باشند و در مصالح طبقات اجتماعی جامعه سرمایه داری ریشه داشته باشند ! خلاصه زمانی که "الترناتیو" مورد نظر خود را ارائه میدهد میگوید "جریانات واقعی که مسائل ومنافعی دیرپا تر و بنیادین تر در مبارزه طبقاتی را نمایندگی میکنند هم در طی شدن يك روند متعارف ذینفعند . کمونیسم کارگری لیبرالیسم و رفرمیسم چپی که اغلب سازمانهای چپ سنتی را در بر میگیرد منطبق بر واقعیت های يك سیر تحول متعارف هستند" و بدین ترتیب اگر که مجاهد در عالم واقع در برابر کارگرو زحمتکش است و دهها خطر روزیان در انقلاب اینها دارد در عوض امابحثهای آقای منصور حکمت در مورد مجاهد ، مجاهد "الترناسیونال" لاقول يك فایده برای حزب کمونیست کارگری دارد و راه اتحادوی با بایورژوازی لیبرال راهوار میکند .

اگرچه با توضیحات بیشتر نویسنده در این مورد که به مقاله مستقل دیگری موكول شده است چندوچون وزوایای این "الترناتیو" روشن ترمیشود معذرا برای پی بردن به گرایش عمیقاً لیبرالیستی آقای حکمت و حزب کمونیست کارگری همین مختصر هم کافیت بر پایه این منطق معلوم نیست چرا نامی از سلطنت طلبان ونمایندگان بورژوازی بزرگ یعنی جریانی که هم "ریشه دار است وهم طرفدار سفت وسخت" تمامیت ارضی" و با اضمحلال ایران به مثابه يك جغرافیای سیاسی و اداری واحد بشدت مخالف اند و البته تحت همین عناوین وعناوین دیگری نظیر تجزیه وتجزیه طلبی بشدت با حق ملل در تعیین سرنوشت خود مخالفند و از قضا در این مورد با آقای حکمت هم اشتراك نظر فراوانی دارند نامی برده نمیشود؟! نفرت از حکومت مذهبی و اسلامگرانی انقدر عینی و واقعی است که نه فقط فلان ادم عامی و ناگاه که حتی عناصر روشنفکر و يك حزب را هم با عنوان حزب کمونیست کارگری به دامان لیبرالیسم می اندازد اگر زمانی راه کارگرد پرورش برداشت ها وتوصیفات خویش از "رژیم ولایت فقیه" و "خوف از ان" لیبرالیسم را تهنیت مینماید امروز نوبت به "الترناسیونال" رسیده است که با ارائه تبییناتی از همان دست و برای اجتناب از "سناریوی سیاه" و به بهانه يك تحول "سفید" بدنبال اتحاد با بورژوازی است وشانه بشانه "لیبرالیسم" "مساید" "الترناسیونال" تا آنجا که دست بورژوازی و لیبرالیسم را بشمارد محبوب همه "لیبرال" ها ومنجمله لیبرالهای شوروی ملی مقاومت مجاهد خواهد بود . "الترناسیونال" ولو خود را ارکان حزب کمونیست کارگری هم بخواند يك الترناسیونال لیبرال است .

پاسخ منفي میدهد حساسیت جمهوری اسلامی نسبت به زدوبند ها ومناسبات مجاهد با دولت ها و محافل امپریالیستی را کسی میتواند ندیده گرفته ویا انکار کند که چشم خود را بر روی همه واقعیات بسته باشد جمهوری اسلامی اتفاقاً روی مجاهد بسیار حساس است و گاه حتی زیادی حساس است وهمین حساسیت زیادی باعث بزرگ تر جلوه داده شدن ان میشود در روزنامه ها و دیگر رسانه های خبری رژیم دانسادر مورد مجاهد و علیه ان صحبت میشود در خارج از کشور و مذاکرات رژیم با مقامات رسمی دولتی چه در سطح کشورهای اروپایی وامریکائی و چه در سطح کشورهای منطقه همواره جایگاه ویژه ای به این موضوع اختصاص دارد نمیتوان چنین تصور کرد که همه این حساسیت ها از روی هوا بی پایه و اساس است جمهوری اسلامی چنانچه از این ناحیه خطری احساس نمیکرد چه اصراری داشت اینهمه تجار و جنجال علیه ان براه اندازد ؟ خلاصه انکه ممکن است صرف حمایت دول امپریالیستی از مجاهد و یوا "الترناتیو" شدن فرضی مجاهد "جمهوری اسلامی هم اکنون به تشمت کشیده نشود ونمی شود ولی این اولای معنی بی تاثیر بودن تحركات یاد شده بر روی اوضاع درونی وموقیعت رژیم انهم زمانی که بایک اعتراض گسترش یابنده توده ای روبروست نیست دوما ومهمتر انکه دلیلی بر بی اهمیت بودن مجاهد در معادلات سیاسی جاری وبطریق اولی بیخطری ان در انقلاب نیست ولوانکه هیچ موضوع دیگری را هم در نظر نگیریم همینکه امروز نویسندگان نشریه "الترناسیونال" مجبور میشوند نزدیک به سه صفحه از نشریه خود را به مجاهد و رویاهای ممنوعه ان اختصاص دهند گواهی بر این مدعاست .

### \* مردم ومجاهدین

تاکید ما بر خطر بودن مجاهد در انقلاب ب معنی این نیست که توده مردم مجاهد را نمیشناسد و یوا به سادگی بوی اجازه میدهد تا هر چه میخواهد بکند اینکه ایاینها بتوانند انقلاب توده مردم را سرکوب کنند و یوا اینکه نیروهای انقلاب بگذارند مجاهد انقلابشان را در هم بشکنند بستیکی به عوامل متعددی دارد که در اینجامورد بحث مانیت و در يك کلام بستگی به این دارد که طبقه کارگر تا چه درجه ای تشکل وانسجام یافته باشد و یوا بتواند انقلاب را برهبری کند معذرا این موضوع تغییری در این حقیقت ایجاد نمیکند که بورژوازی در هر حال در فکرو در تدارك سرکوب و به شکست کشاندن انقلابی است که کارگرو زحمتکش ستون اصلی ان است .

مسئله این است که در تحولات اتی ایران بورژوازی بطور کلی يك خطرواقعی است بدیهی است که لایه های مختلف بورژوازی بخواند از نارضایتی عومی وجنبش های توده ای به نفع خویش بهره بپویند انهمان فقط میخواهند در پایان کار میوه چنان انقلاب باشند بلکه میکوشند که از همین امروز انرا به انحراف کشانده و به نفع خویش تماش کنند در میان سازمانهای بورژوازی مجاهد از همه متشکل تر است و پرتحرک تر و از همین زاویه خطرناک تر مجاهد اما می خواهد حکومت اسلامی فعلی را سرنگون سازد تا حکومت اسلامی خویش را جایگزین نماید حکومتی که مردم در تجربه به ماهیت عمیقاً رجعایی ضدهمکراتیک وضدمردمی ان پی برده اند و هیچگونه توهمی نسبت به ان ندارند جمهوری اسلامی مجاهد خواه پسوندی "دمکراتیک" بهمراه داشته باشد یوا نداشته باشد از لحاظ خصلت وماهیت هیچ تفاوتی با جمهوری اسلامی فعلی ندارد مردم بعد از انکه شانزده سال راتحت بدترین شرایط خفقان وسرکوب ارتجاع مذهبی سر کرده اند و دشوارترین شرایط اقتصادی واجتماعی را باگوست و پوست خردلس کرده اند دیگر هیچگونه اعتماد و یاتوهمی نسبت به حکومت مذهبی ندارند و از ان متفرقند قطع نظر از اینکه چه چهره ای از اسلام وحکومت اسلامی بخواند ترسیم شود و یوا انکه چه فردی بخواند در اس ان قرار بگیرد اصول اعتقادی مجاهد یعنی ان یک جریان مذهبی اساساً در تضاد با آزادیهای سیاسی است ونمی تواند با آزادی عقیده و بیان وامثال ان موافق باشد و اگر بیشتر از جمهوری اسلامی ضدهمکراتیک ومخالف آزادیهای سیاسی نباشد کمتر از ان هم نیست وقتی که مجاهد از همین امروز کمترین انتقاد ومخالفتی را از سوی هیچکس تحمل نمیکند و هر روز برای این منتقدین ومخالفین خط ونشان میکشد بوقتی که از همین امروز بجای مردم "رئیس جمهور" و پارلمان وغیره و ذالک تعیین میکند و روشن است که فردا چه بر سر آزادیهای سیاسی و به نام مردم چه بر سر مردم خواهد آورد اینها هیچکدام بر مردم پوشیده نیست از سوی دیگر سیاستها و عملکرد سازمان مجاهد زدوبند های مجاهد با ارتجاع منطقه دولتها و محافل امپریالیستی ماهیت این جریان وسیاستهای انرا در نزد مردم کاملاً بر ملا رسوا ساخته است این مسئله البته بر خود مجاهد هم پوشیده نیست معذرا "شورای ملی مقاومت" اش نخواهد توانست این ذهنیت را بر هم زنند مجاهد اگر که امروز بر پا کنندگان ۲۰ خرداد را پشت سر ندارد و بحکم مجموعه ای از شرایط مشتابان خود را به ۲۰ تیر میرساند و به "ایرانی کری" و "ملی کری" روی می آورد ارم شیروخورشید و عکس مصدق را بالا میبرد و حتی تشکیلات خویش را منحل میکند تا فعالیت هایش را زیر لوای دیگری انجام دهد با این همه از این طریق حداکثر میتواند "لیبرال" مجاهد های درون "شورای ملی مقاومت" را رضی نگاه دارد و یوا عناصر دیگری از همین قماش را به صفوف خود جلب کند این تحركات



## اطلاعیه های مشترک

توجه افکار عمومی جهان رانسبت به عواقب وخیم اجرای این طرح و نتایج دهشتناکی که روی زندگی صدها هزارتن از مردم زحمتکش مرز نشین ما در کردستان خواهد داشت ، جلب میکنیم ..

\*\*\*

### بیانیه مشترک:

#### از حقوق نویسندگان در ایران دفاع می کنیم

آزادی اندیشه و بیان ، از پایه های ترین حقوق انسانی و مدنی عموم مردم در دنیای معاصر است . اما رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی که بدبسی ترین حقوق انسانی و ابتدائی ترین حقوق اجتماعی و مدنی مردم را نیز در تضاد با معیارهای ارتجاعی و در تقابل با منطق وجودی خود می داند ، از بدو تاسیس خود ، آزادی اندیشه و بیان را با همه موازات دیگر حقوق پایه ای مردم با تمام قوا سرکوب کرده است . در این دوران سیاه حاکمیت اختناق و سانسور که حتی طرفداران اساس حکومت اسلامی از بیان سلائق متنوع خود محروم و در ترس از حبس و مجازات بوده اند ، عرصه کار خلاق و مستقل برای نویسندگان ، شعرا ، محققین و مترجمین ایران و نشر آزادانه آثارشان بویژه تنگنویان فرساییده است .

" متن ۱۳۴ " که بیانیه امضا شده توسط ۱۳۴ نویسنده در ایران است بر آزادی اندیشه ، بیان و رساندن بلا مانع آثار بدست مخاطبان ، بعنوان حق طبیعی ، اجتماعی و مدنی نویسندگان تاکید کرده و موجودیت تشکیل منفی نویسندگان را بعنوان یک نهاد صرفاً دمکراتیک بمنظور دفاع جمعی از این حقوق و مقابله با سانسور ، اعلام کرده است .

ما ، در چارچوب طرفداری از آزادی کامل اندیشه و بیان برای همگان و نیز آزادی تشکیل اتحادیه ها برای دفاع جمعی از حقوق منفی گروه های مختلف اجتماعی ، از آزادی اندیشه ، بیان و نشر و نیز از حق تشکیل منفسی برای نویسندگان که در " متن ۱۳۴ " اعلام شده است قاطعانه دفاع میکنیم و از کلیه انسانها ، نهادها و احزاب و سازمانهای مترقی که آزادی و منزلت انسان می دانند دعوت میکنیم که به پشتیبانی فعال از حقوق انسانی و دمکراتیک نویسندگان ایران بپردازند .

حزب دمکرات کردستان ایران  
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ( اقلیت )  
سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )

۱۲ آبان ۱۳۷۲ - ۴ نوامبر ۱۹۹۴

\*\*\*

### اطلاعیه مشترک

درباره بمباران دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران  
بقرار اطلاع ساعت ۹،۴۵ دقیقه صبح روز ۱۸ آبانماه شش فروردین از هواپیماهای جنگی رژیم جمهوری اسلامی کوی سنجاق در منطقه مرزی کردستان عراق ، مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران را بمباران نمودند که در نتیجه آن یک زن کرد عراقی کشته و ۲ تن از اعضای حزب دمکرات کردستان مجروح شدند .

این بمباران که در مدار ۲۶ درجه و منطقه پرواز ممنوع صورت گرفته است باردیگر نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی با بهره گیری از سکوت دولتهای خارجی از هیچ اقدام وحشیانه ای در فراسوی مرزهای خود علیه نیروهای اپوزیسیون دریغ نخواهد کرد .

در پایان ضمن محکوم ساختن این اقدام جنایتکارانه رژیم از تمام نهادهای دمکراتیک و مجامع بین المللی خواسته شده است که به این اقدامات بیشرمانه اعتراض کنند .

۱۸ آبان

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

طی ماه گذشته سازمان ما با سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران چند اطلاعیه و پیام مشترک منتشر نموده اند که خلاصه آنها بشرح زیر است .  
اطلاعیه مشترک

### در رابطه با محاکمه قاتلین بختیار

بعد از گذشت بیش از سه سال از ترور وحشیانه شاپور بختیار و دستیارش سروش کتیبه توسط تروریستهای جمهوری اسلامی در پاریس ، مقامات دادگستری فرانسه اعلام داشتند که محاکمه متهمین این پرونده ، روز دوم نوامبر آغاز خواهد شد ....

اطلاعاتی که تاکنون پیرامون این پرونده به مطبوعات راه یافته است تماماً دال بر دخالت مستقیم دولت جمهوری اسلامی در طرح ریزی و اجرای نقشه ترور و نیز فراهم آوردن وسایل فرار قاتلین با استفاده از پوشش دیپلماتیک و امکانات دولت ایران میباشد .

به این ترتیب در کنار متهمین به ترور جنایتکارانه دکتر شرفکندی و همراهانش در برلین که همچنان ادامه دارد و عوامل جمهوری اسلامی در آن برصندلی اتهام نشانده شده و تروریسم جمهوری اسلامی با هر جلسه ای از این محاکمات بیش از پیش افشاء میگردد ، دادگاه پاریس نیز باید به تریبون دیگری تبدیل شود که این تروریسم عنان گسیخته رابه سهم خود در انتظار بین المللی رسوا نماید و برانزوای رژیم بیفزاید .

## اطلاعیه مشترک

فرهنگسرای اندیشه ، سرانجام بدنبال تهدیدات مکرر عناصر ناشناس ، نزدیک نیمه شب یکشنبه شانزدهم اکتبر در شهر کونتبرگ سوئد به آتش کشیده شد . ...

در اطلاعیه ای که توسط هیئت مسئولین فرهنگسرای اندیشه منتشر شده است هر چند امکان این آتش افروزی توسط نژادپرستان فاشیست سوئدی نادیده گرفته نشده است ، اما احتمال اینکه عمال رژیم آزادی ستیز جمهوری اسلامی مرتکب این تبهکاری شده باشند قویتر دانسته شده است زیرا که این فرهنگسرا در دفاع از آزادی عقیده و بیان ، در دفاع از سلمان رشدی ، سعیدی سیرجانی و موارد مشابه ، و در محکوم سازی رژیم جمهوری اسلامی فعال بود ، و بارها نیز مورد تهدیدات تلفنی قرار گرفته است ...

ما ضمن حمایت قاطع از آزادی عقیده و بیان و فعالیتهای آزادانه ایرانیان خارج از کشور برای نشر و تبلیغ اندیشه ها و عقاید خود ، عاملین این آتش افروزی جنایتکارانه را - که حتی از سوختن تمامی ساکنان ساختمان مسکونی ابائی نداشته اند - بانزاجار تمام محکوم میکنیم ..

بیانیه مشترک در رابطه با

## تخریب روستاهای کردستان

رژیم جمهوری اسلامی در هراس آشکار از تداوم مبارزات حق طلبانه مردم کردستان و مایوس از سایر شیوه های سرکوبگرانه تاکنونی ، طی ماههای اخیر برنامه گسترده ای را جهت تخلیه روستاهای هم مرز با کردستان عراق و ویران ساختن این روستاها تدارک دیده و در مواردی نیز به اجرا درآورده است . بر اثر اجرای این نقشه شوم که تجاویز آشکار به ابتدائی ترین حقوق مردم زحمتکش این مناطق بشمار میرود ، هم اکنون و بویژه در آستانه فصل سرما ، دهها هزارتن از مردم روستاهای تخریب شده ، آواره شهرها و روستاهای دیگر گردیده و یا همچنان در اطراف روستاهای ویران شده خود سرگردانند و هزاران خانوار دیگر که نام روستایشان در فهرست تخریب قرار دارد ، در هول و اضطراب از خانه خرابی و بدبختیهای محتومی به سرمیبرند که انتظارشان را میکشد .

.....

مبارد دیگر ضمن اعلام همبستگی با قربانیان این جدیدترین شکرده

## اوضاع اقتصادی وخیم تر میشود

کسیختگی اقتصادیست تنهادر فاصله يك ماه از اواسط شهریورماه تا اواسط مهرماه بهای ضروری ترین مایحتاج روزمره مردم بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد وحتى بیش از این افزایش یافت روغن ۴،۵ کیلویی ۴۰۰ تومانی به ۲۷۰۰ تومان شانه تخم مرغ ۱۸۰ تومانی به ۲۴۰ تومان برنج کیلویی ۱۲۰ تومانی به ۲۴۰ تومان قند ۱۵۰ تومانی به ۲۴۰ تومان شکر ۴۰ تومانی به ۲۱۰ تومان نخود و عدس کیلویی ۱۲۰ و ۱۵۰ تومانی به ۱۷۰ و ۲۲۰ تومان پودر لباسشویی و مایع ظرفشویی ۹۰ و ۸۰ تومانی به ۱۱۰ تومان افزایش یافته پنیر هر کیلوه ۶۰۰ الی ۷۰۰ تومان مرغ به ۵۰۰ تومان و گوشت به ۶۵۰ الی ۷۰۰ تومان رسید.

نتیجتاً طی يك ماه افزایش قیمتها بحدی بود که در خوشبینانه ترین حالت قدرت خرید مردم به نصف تقلیل یافت این مسئله بدرجه ای مردم راتحت فشار قرار داد که حتی سران حکومت راهراسانک ساخت اینان که برغم تورم کم رشکن چند سال اخیر تا همین چندی پیش با پرونی تمام ادعا میکردند که فشاری از زاویه تورم بر مردم وارد نمی آید و مشکلی بنام گرانی وجود ندارد بیکباره بیاد فشار کم رشکن گرانی برگردید مردم افتادند و فسنجانی که خود با پیشبرد یک سیاست اقتصادی بغایت ارتجاعی بر ابعاد و دامنه این فشار کم رشکن مردم افزوده است بعنوان مدعی مبارزه با گرانی وارد میدان میشود و در اواسط مهرماه در خطبه نماز جمعه اعلام کرد که از این پس میخواهد جلوا افزایش قیمتها را بگیرد او گفت "تنها کاری که باید شروع کنیم این است که مقررات عادلانه ای بنویسیم برای متخلفانی که قیمتها را مراعات نمیکند در جابتوانیم آنها را جریمه کنیم و مقررات تنبیهی که متن آن در حال تهیه شدن است. ایشان همچنین به مردم امر فرمودند که "وقتی ما اعلام کردیم خواهش میکنم جنس گران نخرید و اگر اجبار دارید بخرید بخرید و به ماموران دولت بگویند و مستند اطلاع دهید".

این هم راه حل! گویا علت تورم و صعود پیاپی قیمتها این بوده است که "مقررات عادلانه ای برای متخلفانی که قیمتها را مراعات نمیکند" نوشته نشده بود تا آنها را جریمه و تنبیه کنند و حالا حکومت آنرا یافته و میخواهد بمرحله اجرا بگذارد و وظیفه مردم هم این است که یا کالای گران را نخرند یا اگر خریدند به ماموران دولت اطلاع دهند البته مستند این است راه حل حکومتی که مقدرات مردم را در دست خود گرفته است. این مردک عوام فریب آنقدر خودش را به نفهمی زده است که گویا مردم نمیدانند از نمونه این "مقررات عادلانه" تا به امروز مکرر نوشته شده و سیاست تعزیر و شلاق و جریمه هم نه تنها کار ساز نبوده بلکه مشکل را پیچیده تر ساخته است.

بهررودری این اظهار نظر فسنجانی برسم معمول در جمهوری اسلامی همه سران و ارگانها و نهاد های حکومتی یکی پس از دیگری "حمایت قاطع" خود را از بیانات جناب فسنجانی اعلام نمودند خامنه ای برای اینکه مسئله را پیش از حد جدی جلوه دهد طی پیامی خطاب به رئیس جمهور اش گفت بیانات جناب عالی درباره مبارزه با گرانی و فروشی مورد خرسندی مردم و پشتیبانی قاطع آنان است و از قوای مقننه و قضائیه هم خواست که در این کار با دولت همکاری و معاضدت نمایند رئیس مجلس هم به هم خود اعلام کرد که لویجی در این زمینه در دست بررسی است یزیدی هم گفت که قوه قضائیه آماده برای همکاری و مجازات است سازمان اطلاعات و امنیت رژیم نیروهای نظامی و انتظامی و دیگر ارگانهای سرکوب ریز و درشت هم برای سرکوب متخلفان اعلام آمادگی کردند اما این همه برای نوشتن "مقررات عادلانه" و در جا جریمه کردن و تعزیر کردن کافی نبود پی در پی ارگانهای جدیدالتاسیس شکل گرفت. "کمیته مبارزه با گرانی و فروشی" متشکل از وزراء و دست اندرکاران اقتصادی تشکیل شد تا بگفته روزنامه های رسمی رژیم، گرانی را شناسانی و آنرا بخشکاند سازمان بازرسی کل کشوری که "گروه ویژه مبارزه با گرانی و فروشی" تشکیل داد وزارت بازرگانی هم بنوبه خود به سازمان دیگری بنام "سازمان بازرسی نظارت و کنترل قیمتها" ایجاد کرد که "متخلفان را شناسانی و برحس جریان توزیع کالا نظارت کند" و بالاخره نوبت به دادگستری رسید که سازمانی با عنوان سازمان رسیدگی به تعزیرات تشکیل دهد تا متخلفان را تعزیر کند این همه بازی در آوردن و اعلام پشتیبانی و آمادگی و تشکیل کمیسیون و کمیته و سازمان ظاهر برای اینست که گرانی را مهار کنند اما هرا انسان اندک آگاهی میداند که این اقدامات صرفاً بقصد عوام فریبی صورت میگیرد و الا کیست که نداند مسئله ای را که دارای ریشه های عمیق اقتصادی است با جریمه و شلاق و زندان نمیتوان حل کرد. سران حکومت تاکنون چندین بار هرگاه که فریاد مردم از گرانی کالاها بلند شده است این بازی را در آورده اند و پس از مدتی هم آنرا بفراموشی سپرده اند بجای این همه عوام فریبی اگر دولت واقعا میخواست یک گام عملی و ناچیز در جهت بهبود وضع مردم بردارد میتواند است ب میزان تورم چند سال اخیر دستمزد و حقوق زحمتکش را افزایش دهد اما روشن است که دولت نه قادر است تورم را مهار کند و نه میخواهد دستمزد و حقوق زحمتکش را افزایش دهد. کیست که نداند این حکومت پشتیبان سرمایه داران و بازرگانان است کدام بی خبری است که نداند و خامت بیش از حد اوضاع اقتصادی نتیجه اجرای سیاستهای اقتصادی کابینه فسنجانی

است سیاست باصطلاح "آزاد سازی" قیمتها افزایش قیمت کالاها و خدماتی که در انحصار دولت است بکاهش ارزش ریال همگی اجزاء این سیاست بوده اند حال هم که کار دبه استخوان مردم رسیده است برای آرام کردن مردم به عوام فریبی روی آورده در نهایت میتواند بکنند اینست که چند روزی هیاهو راه بیاندازند و بگویند ببند بکنند و بخرید و سرازیر کردن بخشی از مایحتاج مردم بی بازار اندکی تعدیل در قیمتها پیدا آورند و پس از مدتی کوتاه دوباره قیمت کالاها رو به افزایش خواهد گذاشت این رژیم از آنجائیکه قادر نیست اوضاع اقتصادی را بهبود بخشد به تبع آن قادر نخواهد بود رشد قیمتها را مهار کند اما این وضع دیگر برای مردم بکلی غیر قابل تحمل است تا همین دوماه پیش که قیمت ها تا بدین حد افزایش نیافته بود توده مردم حتی باروزانه ۸ ساعت اضافه کاری و شاید بیش از آن نمیتوانستند حداقل زندگی و معیشت خود را تامین کنند تا چه رسد با امروز که طی مدتی بدین کوتاهی قدرت خریدشان نصف شده است اوضاع حقیقتاً غیر قابل تحمل است همین چند روز پیش بود که مرکز آمار ایران متوسط هزینه سالانه يك خانوار شهری را در سال ۲۸۰،۷۱ هزار تومان اعلام نمود یعنی ماهیانه رقمی معادل ۲۲،۰۰۰ تومان بحال اگر صرفاً رقم رسماً اعلام شده رشد تورم را برای سال ۷۲، ۲۰ درصد و برای سال جاری حداقل ۵۰ درصد در نظر بگیریم و به این رقم اضافه کنیم در خوشبینانه ترین حالت این متوسط هزینه برای سال ۷۳، ۲۵۰،۰۰۰ تومان در همراه خواهد بود و واقعا چه تعداد از توده زحمتکش مردم در همراه درآمدشان به این حد میرسد که يك زندگی ناچیز داشته باشند؟ شواهد همه حاکی است که متجاوز از ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند و اکثریت عظیم جامعه حتی از تامین حداقل معیشت محروم اند.

با وجود جمهوری اسلامی نیز هیچ چشم اندازی برای بهبود اوضاع متصور نیست راه نجات توده مردم و مقابله با وخامت بیشتر اوضاع تنها در این است که کارگران و زحمتکشان حکومت را سرنگون کنند با تکار عمل را بدست بگیرند منابع اقتصادی عظیم کشور را در خدمت توده مردم و رفاه آنها قرار دهند با برقراری يك کنترل جدی در عرصه تولید و توزیع ب مقابله با کارشکنی سودجویی و احتکار سرمایه داران بپردازند به اقتصاد جامعه سرو سامان دهند و به آشفتنگی اقتصادی موجود که زحمتکشان ایران را زیر فشار خرد کننده قرار داده پایان بخشد.



## زنی که به یک گرم هروئین فروخته شد

تبلور بی حقوقی زن است تنهاری سرپناه می یابند باید مدتهای مدیدی در راهروهای "دادگستری" و در ادارات مختلف سرگردان باشند بلکه دستگاه قضائی به این نتیجه برسد که درخواست طلاق از جانب آنان مشروع است و در این هنگام زن باید آن شوهر معتاد را که مدتهاست خانواده را ترک گفته پنداکند و ضایتش را جلب نماید و طلاق بگیرد سرگذشت "لاله" زن هیجده ساله ای که دو سال تمام است از این اداره به آن اداره پاس میشود اما در هونک بیحقوقی زن رایبان میکند.

لاله در سن شانزده سالگی زمانی که هنوز محصل دبیرستان بود با جوانی که بستگانش را نسود میکردند تحصیل کرده و صاحب شغل است ازدواج کرد خانواده شوهر آنکه از اعتیاد پسرشان آگاه بودند میخواستند از طریق ازدواج او را "سرب" راه بکنند لاله چند روز پس از ازدواج متوجه شد که شوهرش معتاد است کاری که نمیکند هیچ بهیژیی او را تکه تکه میفروشد تا صرف اعتیادش کند دنبال ماجرا از زبان خود لاله بشنوم.

"دوماه هم با بدبختی زندگی کردم یک روز رفت و یک هفته نیامد بعد یک روز آمد و با خودش یک مهمان آورد دیدم حالش خیلی خراب است! بعد مهمانش را گذاشت و خودش به بهانه خریدن سیگار رفت و دیگر نیامد خلاصه همان روز کارم کشید به کلاتری و بعد هم آمدم تهران پیش پدرم."

چرا کلاتری؟

لاله که رنگ بدچهره نداشت سرش را پایین انداخت و گفت "آخه مرایه یک گرم هروئین فروخته بود به همان مهمانش! وقتی فهمیدم چکار کرده دویدم توی کوچه و داد و بیداد راه انداختم طرف در رفت و من خودم را رساندم به کلاتری و شکایت کردم مامور ها گشتند اما نتوانستند پیدایش کنند بعد هم آمدم تهران و شکایت کردم و طلاق خواستم."

انکون دو سال از تقاضای طلاق توسط لاله میگذرد اولاً "دادگاه" شکایت لاله به کلاتری را قبول نمیکند اگر چه لاله شکایت کرده که شوهرش او را به یک گرم هروئین فروخته است اما بهر حال او زن است و حرفش اعتباری ندارد ثانیاً لاله برای طرح تقاضای طلاق باید شوهر معتادش را پیدا کند و رضایت او را جلب کند و روی رابه دادگاه ببرد حال از کجا؟ کسی نمیداند.

لاله ادامه میدهد: "اولش که شکایت کردم گفتند باید بروی شهرستان چون خانها آنجا بوده یک مدت اینجوری گرفتار شدیم رفتیم سراغ پدرش فهمیدیم که یک مدت میرفته محله پدرش و آنجا هم آبروریزی میکرده... خلاصه کلی دردنگی کردیم تا پرونده آمد تهران الان تقریباً دو سال است می آیم و میرویم یک روز استشادهایه خواستند یک روز گفتند شاهد بیاور که دو سال است در خانه پدرت هستی و شوهرت نیامده و خرجی نداده یک روز گفتند آگهی بده توی روزنامه خلاصه پدرمان

سرکوب زنان و لگدمال شدن شخصیت فردی و اجتماعی آنان یکی از وجوه مشخصه نظام جمهوری اسلامی است. کمتر حکومتی را میتوان سراغ گرفت هر چند حکومت طبقات دارا باشد و هر چند ارتجاعی باشد که مانند حکومت جمهوری اسلامی در پایمال نمودن حقوق زنان بعنوان انسان و بعنوان یک شهروند شهره خاص و عام باشد زن تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چه بلحاظ اجتماعی و چه بلحاظ فردی بطور سیستماتیک سرکوب میشود و لگدمال میگردد در جمهوری اسلامی چنان شرایط غیر انسانی، ارتجاعی به زنان تحمیل شده است که آنان نه بعنوان انسانهای مستقل بلکه تابعی از پدر برادر یا شوهر در نظر گرفته میشوند و در نتیجه زندگی آنان دستخوش نوسانات و ناپایمانیهای است که علانق تفکرات وهوی وهوسهای این پدر برادر یا شوهر میتواند ایجاد نماید بویژه در میان طبقات محروم اجتماع دختر خانواده مادام که در خانه پدری است این پدر برادران هستند که برای او تصمیم میگیرند و فی المثل ناگزیرش میکنند به هسری مردی در آید که آنان مناسب تشخیص میدهند. پس از ازدواج سرنوشت این زن نگون بخت که تنها جرمش زن بودن است توسط شوهرش رقم میخورد و هر نافرمانی از خواسته ها وهوی وهوسهای این شوهر چه بلحاظ خانوادگی و چه بلحاظ اجتماعی میتواند تمام زندگی زن را زیرورو کند حکومت و قوانینش در بر خورد به این نافرمانی زن به جانب داری از مرد بر میخیزد و در هر گام از لوجهایت میکنند چنین است که اگر درخواست طلاق از سوی مردی به "دادگاه" های جمهوری اسلامی داده شود حال چه محق باشد چه نه رسیدگی به این درخواست زمان زیادی احتاج ندارد و مرد متقاضی طلاق میتواند با تحمیل شرایط دلخواهش به زن وی را طلاق دهد اما اگر متقاضی طلاق زن باشد باید چند سال درخواست این زن و خودش در اتاقهای مختلف "دادگستری" سرگردان باشند تا سرانجام یا قاضی دادگاه مجاب شود که زن در تقاضای طلاق محق است و یا اینکه زن متقاضی طلاق بعد از چند سال سرگردانی از خیر طلاق بگذرد و زندگی نکبت بارش را ادامه دهد.

تبعیض فاحشی که جمهوری اسلامی در امر طلاق میان زن و مرد قائل است بویژه در شرایطی جنبه ارتجاعی و ضد انسانی خود را بارز میسازد که گسترش اعتیاد و سایر ناپایمانیهای اجتماعی ناشی از نظام حاکم اختلافات خانوادگی را افزایش داده است زنان بسیاری که با کشیده شدن هسرانشان به اعتیاد ترک زندگی مشترک را از طرف شوهر ندانند خرجی مزاحمت هانی که این شوهر معتاد برای زن و فرزندانش ایجاد میکند و بایه زندان افتادن مرد و بی سرپرست ماندن زن و فرزندانش سرانجام به این نتیجه میرسند که طلاق بگیرند و خود زندگی مستقلی را تشکیل دهند تازه خود را در مقابل قانونی که

درآمده من چطور می توانم یک آدم مجهول المکان را پیدا کنم؟ من که سردرمنی آورم بجز از نفاق طلاق ندارند! چرامرد میتواند طلاق بدهد اما زن نمیتواند طلاق بگیرد؟ برای طلاق هزار جور دلیل و مدرک میخواهند شکایت که به کلاتری داشتیم را هم قبول نمیکند و میگویند قابل طرح نیست چون نتوانسته اند طرف را بگیرند و شاهدی هم در کار نیست همین! من که از این حرفها سردرمنی آورم!

فامیل واقوامش چی بازش خبری ندانند؟ لاله: "پیش هر کدامشان رفتیم گفتند بیخیریم اما شهادت هم نمیدهیم خودشان خوب میدانند که او چه وضعی دارد و من چه وضعی!! اما حاضر نیستند برای نجاتم پیشقدم شوند... نمیدانم چطور رو جدانشان راضی میشود که زنی به سن و سال من توی دادگاه هاسرگردان باشد توی این دو سال هر کجا که بگویند رفته ام از "پیل زومی" گرفته تا جاهای دیگر مبارزه با منکرات مبارزه با مواد مخدر با گامی، تشخیص هویت هر کس هر کجا را نشان داده رفتیم تا شاید سراغی ازش پیدا کنم و زود تر خلاص بشوم هر جا میرویم رویم راست و سخت میگیرم نکند آشنائی سران جور جاها ببیند آخه پدرم کارگراست آدم آبروداری است!"

حالا نظر قاضی چه؟  
لاله: "گفت باید نوبت آگهی هاتمام

بشود اگر پیدانشد حکم میدهم."  
لاله یک نمونه از زنان نگون بختی است که سرنوشتش توسط شوهر معتادش که خود قربانی نظام موجود است و قوانین ارتجاعی حاکم به بازی گرفته شده است فروش او را ازای یک گرم هروئین از طرف شوهر معتادش و دو سال سرگردانی در "دادگستری" و سایر ادارات دولتی ماهیت ارتجاع حاکم و فرهنگ مردسالار را بخوبی به او نشان داده است اگر در سایر جوامع بورژوازی انسانها در مقابل قانون و لاقبل به لحاظ حقوقی بایکدیگر برابرند و زن و مرد بعنوان دو انسان همانگونه که میتوانند خواهان یک زندگی مشترک باشند در صورتیکه ادامه این پیوند را مضر و غیر اصولی ببینند میتوانند درخواست طلاق کنند و به لحاظ حقوقی در این زمینه تبعیضی وجود ندارد در جمهوری اسلامی زن نه به عنوان یک شهروند با حقوق انسانی بر سبب شناخته میشود نه شهادتش مورد قبول است و نه در امر ترک زندگی مشترک هر چند که ظالمانه نکستی و غیر انسانی باشد حقی دارد لاله هیجده ساله و صد هازن هم سرنوشت او در پیچ و خم بوروکراسی "دادگستری" جمهوری اسلامی با گوشت و پوست خود لمس میکنند که این قوانین تاچه حد ضد بشری هستند و زنان اگر بخواهند بعنوان انسان از حقوق برابر بر مردان برخوردار باشند هیچ راهی بجز مبارزه علیه حکومت مذهبی جمهوری اسلامی و تمام قوانین ارتجاعی که فرودستی زن را تثبیت میکنند پیش روی ندارند.



## آلترناتیو سرمایه داران و . . .

منطقی، دمکراتیک و عادلانه است. نه تنها در زمینه آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم است که حکومت شورانی به پیگیریترین وجه ممکن آنها را تامین و تثبیت خواهد نمود بلکه در زمینه های اقتصادی و خواستههای رفاهی عمومی رادیکالترین راه حل فوری را ارائه میدهد. حکومت شورانی درنخستین گام، بنظور مقابله جدی بااوضاع وخامت بار اقتصادی ودمکراتیزه کردن اقتصاد کشور بلادرنگ یک رشته اقدامات فوری را بمرحله اجرا درمی آورد.

همگان به این امر واقفند که امروزه درایران اصلی ترین و مهمترین صنایع وموسسات تولیدی وخدماتی دردست سرمایه داران بزرگ ، موسسات و نهادهای وابسته به دستگاه روحانیت ، دولت سرمایه داران وانحصارات سرمایه داری بین المللی قراردارند. آنها از قبل استثمار کارگران دراین موسسات سودهای هنگفتی بچیب میزنند وروزبروز برحجم سرمایه ودارائی خود می افزایند. واین درحالی است که وضعیت مادی ومعیشتی کارگران تابدان حد به وخامت گرانیده که بادستزد ناچیزی که بآنها پرداخت میشود، نمیتوانند از حداقل معیشت برخوردار باشند. حتی کسی که از زاویه عدالت وانصاف باین مسئله نگاه کند، خواهد گفت که این کمال بی انصافی است که حاصل دسترنج کارگران مفت ومجانی به جیب این زالو صفتان سرمایه دار ریخته شود، بعلاوه همه آگاهند که این سرمایه داران روزبروز وضعیت راوخیم تر کرده اند. لذا واضح وروشن است که نه تنها از زاویه منافع توده زحمتکش، بلکه از زاویه هرگونه تلاش برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور صنایع وموسسات بزرگ برفع جامعه مصادره وملی شوند. اپوزیسیونهای بورژوازی که از زاویه منافع سرمایه داران استثمارگر حرکت میکنند باین مسئله مخالف اند، اما حکومت شورانی کارگران وزحمتکشان این اقدام راامری ضروری ومبرم میدانند. بعلاوه کنترل اموراتصادی کشور ودمکراتیزه کردن آن ایجاب میکند که کارگران بتوانند هم درصنایع وموسسات بزرگ ملی شده وهم درآن دسته از صنایع وموسساتی که دردست بورژوازی متوسط است وعجالتا حکومت شورانی قصد ملی کردن آنها راندارد، تولید راتحت کنترل درآورند، یعنی کنترل کارگری رامعمول دارند، حساب وکتاب تولید راداشته باشند، از دخل وخرج موسسه آگاه باشند، براستخدام واخلراج نظارت وکنترل داشته باشند وغیره . روشن است که حتی باصطلاح دمکراتیک ترین حکومتهای بورژوازی باین کنترل مخالف اند. آنها نمیتوانند الغاء اسرار بازرگانی راپذیرند. نمیخواهند حساب دخل وخرج موسسات برملا گردد. نمیخواهند

کارگران از میزان سود موسسات آگاهی یابند. اما بهررواین اقدام برای سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی، مقابله با کارشکنی های سرمایه داران وبلاخره دمکراتیزه کردن اقتصاد کشورضروریست وتنها حکومت شورانی است که میتواند بفوریت کنترل کارگری را معمول دارد. نه تنها کنترل کارگری برتولید امری ضروری است بلکه سروسامان دادن به امرتوزیع کالاها، کنترل توده ای برتوزیع رامی طلبد. این امرنیازمند آنست که بازرگانی خارجی ملی شود وتوزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونها بمرحله اجرادرآید. آقایان سرمایه داران وتجار باین مسئله هم که پای توزیع مایحتاج روزمره مردم درمیان است مخالف اند. بعلاوه مسئله دیگری که برای دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور وکاستن از بار فشاری که برتوده زحمتکش اعمال میشود باید بآن پرداخته شود، مسئله مالیاتهاست. همه میدانند که امروزه دونوع مالیات درایران معمول است. مالیات غیر مستقیم ومالیات مستقیم. دولت بخش اصلی وقابل ملاحظه درآمد مالیاتی خود را از طریق مالیات غیر مستقیم تامین میکند. یعنی این مالیات رااز طریق کالاها وخدمات مورد نیاز روزمره مردم تامین میکند. دراینجا مستقل از اینکه کسی فقیر است یا ثروتمند باید مالیاتی که براین کالاها وخدمات بسته شده بپردازد واز آنجانبیکه اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران وزحمتکشان میباید روزمره این کالاها وخدمات رابخردند ، لذا درواقع آنها هستند که این مالیات رامیپردازند. سرمایه داران وثروتمندان که تعدادشان ناچیز است درصد بسیار ناچیزی از این مالیات رامیپردازند. این سیستم مالیات غیر عادلانه ومغایر منافع توده زحمتکش است. کسی که چیزی ندارد نباید مالیات بپردازد. از این روبرای برانداختن این بی عدالتی که مردم زحمتکش وفقیر راناکزیر میسازد، مالیات بپردازند، باید سیستم مالیات غیر مستقیم بکلی ملغا گردد وتنها مالیات بشکل مستقیم اخذ گردد. کسانی میباید مالیات بپردازند که درآمد، دارائی وسود، وثروت دارند آنهم نه بشیوه ای که اکنون مرسوم است وکسانی که ثروتمند تراند کمتر میپردازند بلکه معمول شدن واقعی سیستم مالیات تصاعدی برثروت ، درآمد وارث . دراینجا هم باز فقط یک حکومت شورانی کارگران وزحمتکشان میتواند، این سیستم راعلی سازد.

درزمینه اقدامات رفاهی عمومی نیز تنها یک حکومت شورانی میتواند گامهای عملی وجدی بردارد. حکومت شورانی از آنجانبیکه حکومت اکثریت عظیم مردم است ، میتواند بلادرنگ یک رشته اقدامات عمومی ورفاهی را بمرحله اجرادرآورد، یک سیستم تامین اجتماعی کامل برقرارسازد. بهداشت ودرمان رایگان رامعمول سازد. خدمات وموسسات بهداشتی

پزشکی را گسترش دهد. آموزش رایگان واجباری راتاپایان دوره متوسطه بمرحله اجرادرآورد. درجهت حل مشکل مسکن گامهای جدی بردارد. گذشته از این که یک برنامه درازمدت رابرای تولید انبوه مسکن بمرحله اجرادرخواهد آورد، بعنوان یک اقدام بلادرنگ ، اجاره ها رامتناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین خواهد نمود وساختمانها واپارتمانهای زائد دولتی وسرمایه داران کردن کلفت رادراختیار زحمتکشان قرار خواهد داد.

از جمله اقدامات رفاهی وعمومی دیگر اینکه به بیکاران ماهیانه حقوقی معادل مخارج یک خانواده ۵ نفره پرداخت خواهد کرد.

برای سالمندان وکودکان بی سرپرست امکانات زندگی مناسبی راتامین خواهد نمود وبهزینه دولت مراکز ویژه ای رابه امر نگهداری از آنها اختصاص خواهد داد.

حکومت شورانی سواى همه این اقدامات ، بلادرنگ مطالبات مشخص ویژه کارگران ودهقانان زحمتکش رامتحقق خواهد ساخت .

همه فاکتها وبررسی ها نشان میدهد که تحقق خواستها ومطالبات مردم درزمینه های مختلف اقتصادی - اجتماعی وسیاسی تنها باسرنگونی جمهوری اسلامی واستقرار یک حکومت شورانی درایران میسر است . هیچ حکومت بورژوازی وحتی بفرض استقرار یک جمهوری پارلمانی درایران نمیتواند به خواستههای مردم جامه عمل پوشد. اپوزیسیونهای بورژوازی که ادعای دمکراسی طلبی، آزادی خواهی وتحقق خواستههای مردم رادارند، همگی به مردم دروغ میگویند، وهدفشان فریب توده هاست . کارگران وزحمتکشان ایران دیگر فریب این شیادان رانسیخورند واین بار که برای سرنگونی رژیم بپا خاستند، از طریق یک حکومت شورانی باعمال حاکمیت خواهند پرداخت . اکنون دیگر روند اوضاع بمرحله ای نزدیک میگردد که همه جریانان را ناکزیر میسازد تا بطور مشخص وقطعی جایگاه خود رادرالترناتیو بورژوازی یا آلترناتیو کارگران وزحمتکشان تعیین نمایند. حکومت شورانی یگانه آلترناتیو کارگران وزحمتکشان وهمه نیروهای انقلابی ، مترقی وحقیقتا دمکرات است .



### با کمکهای مالی خود

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
(اقلیت)

را یاری رسانید

## ایمنی و بهداشت محیط کار یک نیاز مبرم

درحالیکه طبقه سرمایه دار با استفاده از ابزارهای مستقیم و غیر مستقیم سرکوب و اختناق، طبقه کارگر را از داشتن حداقل تشکلهای صنفی که قادر باشند مبارزه کارگران را علیه سرمایه داران سازمان دهند محروم ساخته است درسه زمینه نامبرده تا آنجا که بتواند کارگران را تحت منگنه قرار میدهد و حداقل امکانات را از آنان دریغ میدارد. ایمنی و بهداشت محیط کار را در نظر بگیریم. اگرچه این مساله یکی از مسائل اساسی طبقه کارگر است و شرایط نا امن و غیر بهداشتی محیط کار به تباهی جسمی کارگران میانجامد، اما سرمایه داران با استفاده از پراکندگی و عدم تشکل کارگران و درحالتی که چند سال مداوم است چماق اخراج را بالای سر کارگران به گردش درآورده اند و با اخراج دسته جمعی کارگران از کارخانجات، اولاً کارگران هنوز شاغل در کارخانه ها را وادار میکنند با شرایط بدتر و امکانات کمتر بکار بپردازند، چراکه با هر اعتراضی، اخراج خواهند شد یا بطور اجباری باز خرید میگردند و ثانیاً آن بخشی از کارگران که از کارخانه ها اخراج میشوند یا نیروی کار جوانی که تازه وارد بازار کار میشود، ناگزیر است برای گذران زندگی خود، به کار در شرایط نا امن و غیر بهداشتی تن دهد. این شرایط بویژه در کارگاههای کوچک که حتی رسماً و برای حفظ ظاهر هم که شده موظف به رعایت ضوابط مربوط به ایمنی و بهداشت محیط کار مندرج در قانون کار رژیم نیستند، فاجعه بار است. اگر در کارگاههای بزرگ صنعتی کارگران تحت پوشش قانون کار هستند - هرچقدر هم که سرودم بریده و ارتجاعی باشند - و سرمایه داران ناگزیرند حداقلی از امکانات ایمنی و بهداشت محیط کار فراهم آورند و وزارت کار سرمایه داران هراز چند گاهی با اعزام بازرسان به این کارخانه ها هرچند که این بازرسی جنبه فرمال داشته باشد گزارشاتی تهیه میکند و بعضاً تذکراتی به صاحبان کارخانه ها میدهد و اگر کارگران شاغل در کارخانه های بزرگ به سبب اینکه تحت پوشش قانون کار هستند میتوانند در صورت صدمه دیدن در حین کار از امکانات بسیار اندکی که سازمان تامین اجتماعی بادر یافت حق بیمه از کارگران برایشان تامین میکند، استفاده کنند در مورد کارگاههای کوچک زیر ۱۰ نفر و کارگران قراردادی هیچکدام از این عوامل مصداق ندارد. از کارگران بسیاری از کوره پزخانه ها گرفته تا کارگاههای قالببافی تا کارگاههای کوچک تولیدی و خدماتی که در مجموع حدود دوسوم کارگران ایران را در خود جای داده اند. بررسی کوتاهی از تعداد کارگرانی که تنها طی ۵ هفته در اثر سوانح ناشی از کار دردم جان باخته اند یاب شدت مجروح شده اند، ابعاد فاجعه را نشان میدهد.

از تاریخ ۱۷ شهریور تا اواخر مهر در روزنامه کاروکارگر ۱۱ مورد حادثه ناشی از کار در ستون حوادث درج شده است. از این ۱۱ مورد ۸ مورد حادثه ناشی از کار به مرگ یکبار کارگر حادثه دیده منجر شده و در یک مورد کارگر مجروح در زمان تهیه خبر در حالت اغما بسر میبرده است، در یک مورد دست کارگر صدمه دیده، در زیر دستگاه پرس له شده است و در یک مورد کارگر شدیداً از ناحیه سر آسیب دیده است. نمونه هانی از اخبار مربوط به حوادث یاد شده از این قرارند:

" بدلیل رعایت نکردن اصول ایمنی از سوی کارفرما، ۲ کارگر از طبقه دوازدهم مجتمع مسکونی " ونک پارک " سقوط کرده و دردم جان سپردند. این کارگران که ۴۵ و ۵۲ ساله بودند روی سکوی توری فلزی نصب شده به ساختمان مشغول کار بودند که سکوی مزبور از جا کنده شد و کارگران از طبقه دوازدهم سقوط کرده و دردم جان سپردند. "

" یک کارگر افغانی ۲۵ ساله بنام " شاه محمود سعدالله " در حالی که در اعماق چاهی در ساختمان در حال احداث مجتمع مسکونی میلاد واقع در خیابان قزوین مشغول حفاری بود دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد "

ویا " دست کارگر ۲۷ ساله ای بنام جمشید در حین کار زیر پرس ماند و له شد. این حادثه در یک کارگاه چاپ سیلک واقع در میدان حسن آباد تهران اتفاق افتاد. همکاران جمشید دست کارگر مصدوم را از زیر دستگاه پرس آزاد نموده و او را به بیمارستان اعزام کردند.

زمانی میتوان به ابعاد این تباهی جسمی کارگران در شرایط کنونی پی برد که در نظر گرفته شود اولاً موارد فوق تنها بخشی از سوانح کاری است که در مدت ۵ هفته در کارگاههای مختلف روی داده و عمدتاً مربوط به شهر تهران است. هر روز دهها مورد له شدن دست کارگران زیر دستگاه پرس، سقوط کارگران از داربستها، و غیره در گوشه و کنار ایران در کارگاههای کثیف، غیر بهداشتی و نا امن روی میدهد که خبر آن در هیچ نشریه روزنامه ای منعکس نمیشود. و نکته دیگر اینکه اینها تنها اخبار سوانح ناشی از کار است که در اثر آن کارگران یا درجا فوت میکنند و یا دچار نقض عضو جدی میشوند. به این آمار باید آمار هزاران کارگر را افزود که در کارگاههای کوچک بطور روزمره در معرض گردوغبار ناشی از تولیدات پنبه ای، هوای آلوده ناشی از تولیدات فلزی و گازهای شیمیایی قرار دارند و به مرور زمان به انواع بیماریهای ریوی و پوستی دچار

میشوند. برآستی کارگران واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی محرومترین اقشار طبقه کارگر ایران را تشکیل میدهند. اینان که بنا بر آمار موجود دوسوم کارگران ایران هستند از یکسو با دستمزد ناچیز که در مواقع بسیاری به اعتراف دست اندرکاران خانه کارگر وزارت کار کمتر از حداقل دستمزد است به کار واداشته میشوند و از سوی دیگر در بدترین شرایط ممکن به لحاظ ایمنی و بهداشتی استثمار میشوند. در این زمینه اعترافات دست اندرکاران دولتی و باصطلاح کارگری رژیم شنیدنی است. بنابه گفته وزیر بهداشت و درمان جمهوری اسلامی " اکثریت کارگران در کارگاههای کوچک یک یا ۲ نفره شهر و روستا مشغول بکار هستند که بعلت عدم رعایت نکات بهداشتی و حفاظتی بیشتر در معرض خطر قرار دارند و هیچگونه نظارتی بر سلامت آنها اعمال نمیشود " و دبیر اجرایی خانه کارگر ورامین پس از گسترش اعتراضات کارگران کوره پزخانه های ورامین علیه کمی دستمزد به ناگزیر میگوید " شورای عالی کار در تصمیم گیری سال جاری خود در زمینه افزایش حقوق کارگران با مستثنی کردن صنوف از این افزایش حقوق باعث شد که سطح دستمزد کارگران کوره پزخانه ها متناسب با سایر کارگران افزایش نیابد. در حال حاضر قانون کار در خصوص پرداخت حقوق قانونی کارگران کوره پزخانه ها اجرا نمیشود. "

مصائبی که نظام سرمایه داری و حاکمیت جمهوری اسلامی برای طبقه کارگر ایران به ارمغان آورده است، بیکاری، گرسنگی، عد، وجود امکانات بهداشتی و ایمنی در محیط کار در یک کلام تباهی جسمی و روانی کارگران، تنه یک راه راپیش پای طبقه کارگر ایران میگذارد برای رفع مصائب موجود که دیگر مدتهاست به حد غیر قابل تحملی رسیده است کارگران باید با مبارزات یکپارچه و متشکل خود مانع آن شوند که طبقه سرمایه دار با استفاده از پراکندگی کارگران هرچه میخواهد و میتواند به کارگران تحمیل نماید. کارگران باید در این مبارزه طبقه سرمایه دار را تاباندا نجا عقب رانند که در کلیه موسسات، کارخانه ها و کارگاههای تولیدی و خدماتی مقررات ایمنی و بهداشتی سازمان یافته بر محیط کار حاکم باشد و هیچ سرمایه دار یا کارفرمایی نتواند کارگران منفرد را بدون تامین در مقابل حوادث ناشی از کار و بدون بکارگرفتن مقررات ایمنی و بهداشتی بکار وادارد. خود کارگران و تشکلهای کارگری باید تعیین کننده و ناظر بر اجرای این قوانین باشند.



## وآن او که بیدریغ وفادارزندگی است ، مرگش تولدی است ! گزارشی از برگزاری مراسم یادبود شهدای قتل عام سال ۶۷ درارویا

خودازاین قتل عام مطالبی ایراد نمودند سپس اسلایدی از کشتار در ایران به نمایش گذاشته شد که شدیداً تماشاگران را تحت تاثیر قرار داد. شعر خوانی نعت میزاده بگزارش آخرین ملاقات دختر خردسالی بامادرش قبل از قتل عام ۶۷ قرانت پیامها و اعلامیه های حمایتی و قرانت قطعنامه مراسم بخش دیگری

فرانسه درپاریس جمع وسیعی از ایرانیان انقلابی باتشکیل کمیته برگزاری یادمان قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ به برگزاری مراسم یادبود زندانیان سیاسی قتل عام شده در سال ۶۷ اقدام نمودند نخستین تراکت منتشر شده از سوی این کمیته خطاب به ایرانیان مبارز و انقلابی میگوید:

دانشمارک روز ۵ شنبه اول سپتامبر تعدادی از منفردین و هواداران نیروهای انقلابی با تشکیل کمیته ای تحت عنوان " کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران " آکسیون رادرمقابل پارلمان دانشمارک برگزار کردند. این کمیته در اطلاعیه خود ضمن محکوم کردن شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران ضمن اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران خواستار رسیدگی ارگانهای بین المللی به وضعیت زندانهای ایران شده بود.

### هموطنان آزاده !



همچنین کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران ۲۲ اکتبر مراسمی را تحت عنوان " شب همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران " برگزار کرد. در این مراسم ابتدا پیام همین کمیته و سپس پیام هواداران راه کارگردان دانشمارک و پیام مشترک سازمان ۲ سازمان دیگر سیاسی قرانت شد. سپس فیلم " جنایت مقدس " ساخته رضا علامه زاده به نمایش درآمد. سپس یکی از پناهندگان سیاسی که مدت ۶ سال در زندانهای جمهوری اسلامی بعنوان زندانی سیاسی بسر برده است در مورد شرایط و وضعیت زندانها و مقاومت زندانیان سخنرانی کرد. نمایشنامه ای نیز در مورد زندانیان سیاسی اجراء شد. در این مراسم قریب به ۵۰ نفر شرکت داشتند.

برای آنکه حافظه تاریخی مان در زیر غبار زمان و گرفتاریهای روزمره کرخت نشود ،

برای آنکه تلاشهای رژیم را جهت کسب مشروعیت خویش نقش بر آب کنیم ،  
برای آنکه جامعه جهانی بدانند با چه رژیم خونخواری روبرو هستیم ،  
در مراسم بزرگداشت خاطره زندانیان سیاسی قتل عام شده در کشتار سال ۶۷ شرکت کنیم .

سوئد در استکهلم کمیته ای متشکل از ایرانیان انقلابی بنام " کمیته بزرگداشت زندانیان سیاسی ایجاد شد و اقدام به برپائی تظاهرات و مراسم یادبود شهدای قتل عام ۶۷ نمود .

### کمیته برگزاری یادمان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

پاریس - شهریور ۱۳۷۲

از برنامه های این شب بودند اجرای برنامه توسط شوان خواننده انقلابی خلق کرد و تقدیم گل به خانواده شهدای ایران بخش این مراسم بودند در این مراسم همچنین نمایشگاهی از کار دستزی زندانیان سیاسی به نمایش گذاشته شده بود که مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت .

انتشار اطلاعیه بمناسبت ششمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در ایران انتشار پوستر به این مناسبت و پیام به خانواده شهدا از جمله تبلیغاتی بودند که کمیته قبل از برگزاری مراسم انجام داد سرانجام بعد از ظهر ۸ اکتبر مراسم یادبود باشکوهی در پاریس برگزار گردید در این مراسم که بیش از ۵۰۰ نفر در آن شرکت جسته بودند بایک دقیقه سکوت آغاز شد و شاهد عینی کشتار ۶۷ پیرامون مشاهدات

این کمیته طی روزهای ۱۲ تا ۱۷ سپتامبر با پخش گسترده اعلامیه و تراکت به زبانهای فارسی و انگلیسی و سوندی به تبلیغ علیه سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و کشتار زندانیان سیاسی نمود همچنین کمیته فوق ضمن جمع آوری بیش از ۱۰۰۰ امضاء بوسیله کارت پستال خاص این آکسیون به پخش برنامه ویژه بزرگداشت زندانیان سیاسی با همکاری رادیوهای فارسی زبان استکهلم برگزاری تظاهرات ایستاده همراه بانمایش خیابانی صحنه های اعدام و سنگسار در تاریخ ۱۷ سپتامبر در مرکز شهر اقدام نمود که مورد توجه بسیار قرار گرفت .

بوده است .  
مراسم یادبود جانباختگان قتل عام ۶۷ در آستردام علاوه بر پخش اعلامیه به زبانهای فارسی و هلندی شامل نمایش سمبلیکی از صحنه های اعدام در ایران بود که در میدان مرکزی شهر آستردام اجراء شد این مراسم از سوی ایرانیان شرکت کننده و عابرین مورد توجه قرار گرفت .

هلند در آستردام نیروهای انقلابی باتشکیل کمیته ای به برگزاری مراسم یادبود جانباختگان قتل عام ۶۷ اقدام کردند در اعلامیه ای که از سوی این کمیته به همین مناسبت انتشار یافت از جمله آمده است « ما امضاء کنندگان زیر نیز امروز در هلند همزمان بانیزوهای مترقی و انقلابی ایرانی در کشورهای دانشمارک سوئد آلمان و فرانسه کرده ام آمده ایم تا با اجرای نمایش سمبلیک از قتل عام زندانیان سیاسی افشاگر جنایات جمهوری اسلامی باشیم جنایاتی که طی شانزده سال حاکمیت جمهوری اسلامی همواره تداوم داشته است که این خود نمایانگر تداوم مبارزات توده هائی این سالیان

برگزاری شب همبستگی با زندانیان سیاسی از جمله اقدامات دیگر این کمیته بوده در شب همبستگی علاوه بر نمایش اسلاید و فیلم " جنایت مقدس " شعر خوانی صورت گرفت که مورد توجه حضار قرار گرفت سپس نماینده حزب چپ سوند ضمن شرکت در این مراسم رژیم جمهوری اسلامی را محکوم و همبستگی و پشتیبانی حزب چپ از زندانیان سیاسی و مبارزات مردم ایران را اعلام نمود در پایان قطعنامه کمیته قرانت شد که مورد حمایت شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت لازم به توضیح است که رونوشت قطعنامه برای دفتر غروب بین الملل در لندن پارلمان اروپا پارلمان سوند دفتر نخست وزیری سوند و مطبوعات سوند ارسال شده است .

همچنین در انگلستان نیروی و در شهرهای کانادا نیز به همین مناسبت مراسم مختلفی برگزار شد .  
یاد قربانیان قتل عام سال ۶۷ و کلیه جانباختگان راه دمکراسی و سوسیالیسم گرامی باد .

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



## زنده باد اکتبر!

## زنده باد انقلاب سوسیالیستی!

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بی تردید مهمترین و برجسته ترین رویدادی است که تاریخ مبارزه طبقاتی، مبارزه ستمدگان و استثمارشدگان علیه ستمگران و استثمارگران بخود دیده است. ۷۶ سال قبل پرولتاریای روسیه که یک پرده دشوار و خاد مبارزاتی را از سرگذرانده، انقلابات دسامبر ۱۹۰۵ و فوریه ۱۹۱۷ را تجربه کرده بود و در فراز و نشیبهای مبارزه طبقاتی از آبدیدگی و سازمان یافتگی لازم برای به کرسی نشاندن ادعای تاریخی پرولتاریا برخوردار شده بود، در اکتبر ۱۹۱۷ یکپارچه وارد میدان شد. بورژوازی را از اریکه قدرت به زیر کشید، قدرت سیاسی را بدست گرفت و مهرخویش را بر انقلاب کبیر. پرولتاریای روسیه در این اقدام تاریخی، نظام ستمگرانه و استثمارگرانه سرمایه داری و همه بقایای نظامات ماقبل آن رادرم کوبید و پرویزانه های آن سازماندهی نظم جدیدی را آغاز نمود که اساسش بر بنی مالکیت خصوصی و مسائل تولید، برانداختن استثمار وستم و محو طبقات قرار داشت. جمهوری شورانی را که تا آن زمان مرکز در تاریخ بشر پدید نیامده بود مستقر ساخت و بالاخره پرچم سوسیالیسم را برای نخستین بار در شکوه و عظمتی وصف ناپذیر به اهتزاز درآورد. انقلاب اکتبر عصر نوینی را در روند فریو پاشی نظام کندیده و روبه افول سرمایه داری کشورده. پیام اکتبر رهانی میلیون ها کارگر در سراسر جهان از یوغ استثمار و بردگی بود. اکتبر فقط به طبقه کارگر روسیه تعلق نداشت و بنا به خصلت انترناسیونالیستی اش، روند اعتلاء جنبش پرولتاریائی را در مقیاس جهانی به جلو راند و شوروشوق انقلابی بیابانندی را در صفوف طبقه کارگر جهانی ردیگر زحمتکشان دامن زد. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که از یک سو دوستی، حمایت و همبستگی آردوی کارآوردوی انقلاب را بخود جلب نمود، از دیگر سو اما جهان سرمایه راشدیدا به وحشت انداخت و ضدیت ارتجاع جهانی را نیز برانگیخت. نیروهای ارتجاع اعم از ارتجاع داخلی و بین المللی از همان آغاز رودرروی این اقدام تاریخی و شکوهند طبقه کارگر ایستادند و در امر سوسیالیسم آشکارا و با تمام توان به اخلال و خرابکاری پرداختند. سرانجام این رودررونی گرچه عجالتا شکست طبقه کارگر روسیه و بقدرت خزیدن مجدد بورژوازی بود، اما مطلقا بمعنای منتفی شدن نقش و اهمیت تاریخی و دوران ساز اکتبر و با بمعنی از نفس افتادن اکتبر نبود. اکتبر فقط یک انقلاب کارگری در کشور روسیه و جنگ بی امان با بورژوازی این کشور نبود. اکتبر جنگ آشکار علیه تمامیت سرمایه و ارتجاع جهانی بود. اکتبر رهنمونی برای رهانی طبقه کارگر جهانی و رهانی تمامی بشریت بود. طبقه کارگر جهانی برای رهانی از یوغ استثمار و بردگی راه دیگری جز خلق ید از بورژوازی و جز انقلاب سوسیالیستی ندارد. اکتبر دستورکار این طبقه است. اکتبر برای طبقه کارگر جهانی همچنان پرچم رهانی و آزادی است. اکتبر مرده است. اکتبر در قلب طبقه کارگر روسیه و در قلب میلیونها کارگر و کمونیست در سراسر جهان نفس میکشد و زنده است.

زنده باد اکتبر! زنده باد انقلاب سوسیالیستی!

قصه خوانی نمایی به اجراء درآمد. بخش دیگر از برنامه به شعر خوانی اختصاص داشت. در این بخش سعید یوسف چندین شعر خود را برای حاضرین خواند و یکی دیگر از هنرمندان ایران به خواندن شعرهایی از سعید سلطانپور و دیگر شعرای مترقی پرداخت همچنین در فاصله میان برنامه های مختلف قطعاتی موسیقی - سرود اجراء کردید که به مراسم شوربیشتری می افزود. حدود ۱۰۰ نفر در این جلسه شرکت داشتند.

هامبورگ - در تاریخ ۲۱ اکتبر مراسمی جهت یادبود خاطره جانبختگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ توسط کمیته برگزاری یادمان قتل عام زندانیان سیاسی انجام کردید که مورد استقبال دهها تن از ایرانیان مقیم آن شهر قرار گرفت.

اتریش در اتریش یادواره جانبختگان دهم شهریور سال ۶۷ از سوی هواداران سازمان ما، سازمان راه کارگر و احداث اتریش سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و احداث اتریش و حزب دمکرات کردستان کمیته اتریش در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۹۴ در وین برگزار کردید در این مراسم ابتدا اسلایدهایی از جنایات جمهوری اسلامی بر متن ترانه سرودهای انقلابی پخش شد سپس یکی از رفقا بر مبنای گزارشات موجود به بررسی واقعه هولناک کشتار زندانیان سیاسی پرداخت و به احترام جانبختگان راه آزادی یک دقیقه سکوت اعلام شد سپس فیلم «جنایت مقدس» ساخته رضاعلامه زاده که گزارش مستندی از ترور مخالفین در خارج توسط جمهوری اسلامی است به نمایش درآمد در پایان جلسه بحث و گفتگوی پرامون اوضاع کنونی و چگونگی مقابله موشرومشکل علیه جمهوری اسلامی در خارج برگزار شد این مراسم مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

در اعلامیه فراخوانی که جهت دعوت به این مراسم از سوی ۴ جریان برگزارکننده منتشر شده از جمله آمده است:

«کشتار هزاران زندانی سیاسی در عرض چند روز نشاندهنده چهره ددمش رژیم است که از همان بدو موجودیت خود با کوله به خواست مردم پاسخ داده است جنگ و کشتار را بر خلقهای تحت ستم ایران تحمیل کرده است و زندان و شکنجه و اعدام را به جنون آمیزترین ابعاد خود رسانده است و به عریانترین وجه به ترور مخالفین خود در خارج از کشور دست یازیده است.»

۱۵ ←

برای تماس با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال واز آنها بخواهید نامه هایتان را به آدرس زیر پست کنند.

Postfach 5312  
30053 Hannover  
Germany

در سالروز قتل عام زندانیان سیاسی توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی مراسم یادبودی در کشورهای مختلف اروپائی از سوی ایرانیان مترقی و انقلابی برگزار شد که گزارش مختصر آنرا میخوانید.

آلمان - امسال چندین شهر بزرگ در آلمان شاهد مراسمی بود که نیروها و جریانات سیاسی انقلابی و مترقی در رابطه با ۱۰ شهریور ۶۷ سالروز کشتار هولناک زندانیان سیاسی و برای بزرگداشت یاد آنان برگزار کردند.

در هانوفر برنامه به نمایش فیلمی از علامه زاده بنام «شب بعد از انقلاب» اختصاص پیدا نمود. شروع برنامه با یک دقیقه سکوت و توضیحی در رابطه با کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ آغاز گردید و سپس فیلم به نمایش درآمد. این مراسم در دونوبت تکرار گردید و هربار دهها تن از ایرانیان شهر هانوفر در آن شرکت داشتند.

برلن - در هفته آخر سپتامبر شهر برلن شاهد برگزاری مراسمی بود که در نوع خود ویژه و استثنائی بود. علت آن هم توأم شدن چندین مسئله سیاسی مهم در این شهر بود. در واقع این مراسم همزمان بود با اعلام حکم دادگاه رسیدگی به ترور دکتر شرفکنندی و همراهانش که حکم خود مبنی بر اینکه این ترور، تروری دولتی بوده و جمهوری اسلامی ایران کارگردان اصلی آن میباشد، را صادر نمود. تعداد زیادی از ایرانیان در این روز در دادگاه حضور یافتند و شب همان روز در مراسمی که هم جهت بزرگداشت خاطره دکتر شرفکنندی و همراهانش و هم یادبود خاطره جانبختگان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بود، شرکت نمودند. مسائل فوق سبب شد تا مراسم باتنوع مطالب و گزارشات گوناگون در عرصه های مختلف با ترکیبی از برنامه های متنوع دیگر و با استقبال شدید بیش از سیصد تن از حاضرین برگزار گردد.

فرانکفورت - شنبه اول اکتبر - کانون سیاسی ایرانیان فرانکفورت جهت بزرگداشت خاطره جانبختگان کشتار در زندانها در سال ۶۷ مراسمی برگزار نمود. این مراسم با یک دقیقه سکوت آغاز گردید و شرحی کوتاه از چگونگی تکوین این فاجعه بزرگ قرائت شد. سپس برنامه های دیگر شامل، نمایش اسلاید از جنایات جمهوری اسلامی علیه زندانیان سیاسی و نیروهای انقلابی، خاطرات دو تن از شاهدان عینی که خود در جریان چگونگی قتل عام در زندانها قرار داشتند، یک قطعه تئاتر به شکل

کمکهای مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنها را به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمایند.

I. W. A  
6932641  
PostBank Amsterdam, Holland